

لابی یهودیان آمریکا، کارگزار تحریم ایران

سیدعلی طباطبایی^۱

در یک چشم‌انداز کلی، سیاست خارجی را می‌توان پویش رفتار سیاسی کشورها در سطح بین‌المللی دانست. این امر محصول تعامل میان متغیرهای داخلی و بین‌المللی می‌باشد. زیرا سیاست خارجی بدون در نظر گرفتن بازیگران داخلی، ملی، فراملی و غیردولتی مفهومی پیدا نمی‌کند. در این راستا، تبیین سیاست خارجی، روشی است برای منظم ساختن پدیده‌های ملی و بین‌المللی به شکلی که تشخیص علت و معلول‌های احتمالی و توصیف وضعیت موجود و پیش‌بینی وضعیت آینده میسر گردد.

در پویش سیاست خارجی کشورها، ما همواره با دو محیط داخلی و خارجی مواجه هستیم. در این دو محیط همواره نیروهایی وجود دارند که سعی می‌کنند با وارد ساختن ورودی‌های خود به سامانه سیاست خارجی، خروجی‌های مطلوب را به دست آورند. دامنه و میزان تأثیر محیط داخلی و محیط خارجی بر سیاست خارجی هر کشور، خاص همان کشور است. به عبارت دیگر، هر کشور با ویژگی‌های خاص خود یک نمونه منحصر به فرد از تعامل متغیرهای داخلی و خارجی در فرایند سیاست خارجی و تصمیم‌سازی‌ها می‌باشد. بنابراین در مطالعه رفتارهای سیاست خارجی، تصمیم‌های اتخاذ شده و سیاست‌های به کارگرفته شده هر واحد سیاسی، تبیین متغیرهای داخلی و خارجی تأثیرگذار، تدقیق اطلاعات، ارتباطات و سازوکارهای حاکم بر این متغیرها، دارای ضرورت علمی و فوریت کاربردی است.

۱. سیدعلی طباطبایی عضو هیأت علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران است.

تبیین سیاست خارجی و سیاست‌های اتخاذی و تصمیم‌سازی‌های کشوری مانند ایالات متحده آمریکا از پیچیدگی خاص برخوردار است. چرا که متغیرهای تأثیرگذار در سیاست خارجی این کشور چه در داخل و چه در خارج از تکرر و تنوع بیشتری نسبت به دیگر کشورهای جهان برخوردار است. این تنوع و تکرر از یک سو متأثر از سیستم کثرت‌گرای حاکم در آمریکا و از سوی دیگر متأثر از واقعیت ابرقدرت بودن آمریکا و گستره منافع این کشور در سطح جهان می‌باشد که به تبع آن نیروهای متفاوتی وارد عرصه شده و سعی در تولید، تغییر و تعدیل تصمیم‌سازی‌های مطلوب خود ساختار سیاست خارجی آمریکا می‌کنند.

از سوی دیگر به هر اندازه که انسان‌ها از زندگی سنتی خود فاصله می‌گیرند، به همان اندازه ضرورت‌های جدیدی فراوری آنها قرار می‌گیرد. این نیازهای جدید کنش‌های متقابل انسان‌ها را به همراه دارد چرا که انسان‌ها برای تطبیق و پاسخ‌گویی به این شرایط جدید، چاره‌ای جز کنش‌های جدید ندارند.

پیچیدگی زندگی مدرن، محصول تنوع منافع و تقسیم‌بندی‌های اجتماعی نتیجه تخصصی شدن تولید و توزیع خدمات، تنوع نژادها، مذاهب و تمایزات جغرافیایی و منطقه‌ای است.^(۱) در نتیجه این پیچیدگی و تنوع منافع، گروه‌های متنوعی به شکل روزافزونی در جوامع انسانی در حال رشد می‌باشند. این گروه‌ها سعی دارند نمایندگی افراد مختلف را براساس منافع متفاوت برعهده گیرند. این منافع می‌توانند معطوف به منافع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نژادی و ایدئولوژیک باشند.

گروه‌های ذی‌نفع،^۱ یکی از این گروه‌ها هستند که ماحصل تغییر و تحولات و پیچیدگی روزافزون جوامع می‌باشند. براساس تعریف فرهنگ علوم سیاسی آمریکا، گروه ذی‌نفع، گروهی است که اعضای آن دارای ایده‌ها و اهداف مشترک بوده و برنامه‌هایی را به صورت فعالانه برای اعمال نفوذ بر مسؤولان و سیاست‌های دولت انجام می‌دهند.^(۲) گروه‌های ذی‌نفع از نظر اندازه، قدرت، اهداف و فضای عمل بسیار متفاوت هستند ولی شیوه‌های کنش آنها

شبهه به هم است. این شیوه‌ها شامل لابی‌کردن^۱، ورود به فرایند انتخاباتی^۲، تبلیغات برای تأثیر بر افکار عمومی^۳ است. (۳)

بنابراین لابی‌کردن از مهم‌ترین فعالیت‌های گروه‌های ذی‌نفع است و براساس تعریف «لستر میل‌براث»^۴، لابی‌کردن، ارتباطی است که توسط شخص به غیر از شهروندان معمولی به نیابت از کسی، معطوف به یک تصمیم‌ساز دولت شکل می‌گیرد به این امید که بر تصمیم او تأثیر گذارد. (۴)

در آمریکا، گروه‌های ذی‌نفع در تمام سطوح اعم از ملی، ایالتی، بخش، شهر و منطقه عمل می‌کنند. علاوه بر قوه مقننه و مجریه، گروه‌های ذی‌نفع در جستجوی اعمال نفوذ بر قوه قضاییه نیز هستند. به روشنی مشخص است که گروه‌های ذی‌نفع یک بخش بسیار مهم سیاست و دولت در آمریکا هستند. این احتمال وجود دارد که حدود ۱۰۰ هزار سازمان، درگیر فعالیت گروه‌های ذی‌نفع در آمریکا باشند. این سازمان‌ها از یک فرد فعال شروع شده و به انجمن بازنشستگان آمریکا با ۳۲ میلیون عضو ختم می‌گردد.

یکی از این گروه‌های ذی‌نفع بسیار مهم در آمریکا، لابی یهودیان آمریکا است. با وجود تنوع و تکثر گروه‌های ذی‌نفع (لابی‌ها) در عرصه سیاسی آمریکا، لابی یهودیان آمریکا به دلیل قدرت و کارایی و توانایی شکل بخشی به نتایج سیاست خارجی آمریکا، جایگاه ویژه‌ای دارد. این قدرت لابی یهودیان در آمریکا، محصول گذشته جامعه یهودیان آمریکا، وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنان، پی‌گیری دستور کارهای تعریف شده و مشخص و سازمان‌دهی بالای آنها می‌باشد. یهودیان آمریکا در حالی که تنها حدود ۲ درصد جمعیت آن کشور را تشکیل می‌دهند، حجم قابل توجهی از سرمایه در گردش و مجموعه فراگیری از ابزارهای اطلاع‌رسانی آمریکا و مراکز قدرت سیاسی را در اختیار دارند. قدرت فراگیر یهودیان موجب شده است که آنها توسط گروه‌های لابی خود، بر روندهای سیاست‌گذاری داخلی و خارجی

1. Lobbying

2. Electioneering

3. Propagandizing

4. Lester Milbrath

آمریکا، تأثیر غیرقابل انکاری داشته باشند. این تأثیر به شکلی است که «پل فیندلی» عضو سابق کنگره آمریکا به مدت ۲۲ سال، در کتاب «آنها بی‌پرده سخن می‌گویند»، می‌نویسد: «هر کس از سیاست‌های اسرائیل انتقاد کند، باید منتظر یک انتقام دردناک از سوی لابی‌ها و گروه‌های فشار اسرائیلی باشد». نتیجه این که هم‌اکنون آپیک^۱ به‌عنوان بزرگ‌ترین لابی یهودیان آمریکا، یکی از سه لابی بزرگ آمریکا است.

لابی یهودیان آمریکا، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و رو در رویی و تخاصم جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل، همواره سعی کرده است در کلیه تصمیمات مرتبط با ایران در نهادهای قانون‌گذاری و اجرایی آمریکا نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد و سعی نماید تصمیمات مطلوب خود را به این نهادها تحمیل کند.

یکی از سیاست‌های عمده آمریکا در سال‌های اخیر به‌ویژه در دهه ۱۹۹۰ میلادی سیاست تحریم بوده است. آمریکا از تحریم به عنوان یکی از ابزارهای سیاست خارجی خود و به عنوان یک عامل فشار برای تغییر رفتارهای دیگر کشورها استفاده می‌کند.

در این زمینه، لابی یهودیان آمریکا در اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی به دلایل متفاوت سعی نمود، ایده تحریم ایران را که تبدیل به استراتژی تحریم ایران در درون لابی یهودیان گردیده بود را به عنوان اولویت سیاست خارجی آمریکا نسبت به ایران مطرح کرده و آن را به عنوان یک قانون تصویب کند. برای تحقق این هدف، لابی یهودیان آمریکا با به‌کارگیری منابع مادی و معنوی خود و اتخاذ رهیافت‌های مناسب توانست با تأثیرگذاری بر قوه مقننه و قوه مجریه آمریکا، در نهایت قانون تحریم ایران را در سال ۱۹۹۶ به تصویب برساند. این در حالی بود که پیش از آن «آپیک» بزرگ‌ترین لابی یهودیان با انتشار جزوه‌ای به نام، «تحریم‌های جامع آمریکا علیه ایران، برنامه‌ای برای عمل»^۲، اصول و اهداف تحریم ایران را ارائه کرده بود.

برای تبیین تئوریک تأثیرگذاری لابی یهودیان آمریکا در تصویب قانون تحریم ایران

1. American Israel Public Affairs Committee (AIPAC)

2. U.S Comprehensive Sanctions Against Iran, A Plan for Action, April 1995.

نیز از چارچوب کارگزار - ساختار استفاده می‌گردد. چرا که در این صورت به بیان «ونت»، ما انسان‌ها و گروه‌ها (و در اینجا لابی یهودیان) را کارگزاران بازارده‌ای می‌دانیم که کنش‌های آگاهانه آنها موجب و موجب تغییر در جوامع و ساختارها می‌گردد. این کنش‌های آگاهانه در نهایت به بازسازی، بازتولید و تولید و تغییر در ساختارها منتهی می‌گردد. بنابراین در این چارچوب لابی یهودیان به عنوان کارگزار، بازیگر قدرت‌مندی است که کنش‌های سیاسی و اجتماعی آنها بر نتایج تأثیر می‌گذارد و لابی یهودیان با ویژگی‌های قدرت بالقوه و بالفعل خود بر شکل‌گیری و اجرای تصمیمات ساختار سیاسی خارجی آمریکا تأثیر گذاشته و در آن اعمال نفوذ می‌کنند که سرانجام این فرایند تصویب قانون تحریم ایران در سال ۱۹۹۶ می‌باشد.

لابی یهودیان آمریکا ویژگی‌های کارگزاری برای تأثیر بر ساختارهای سیاست خارجی آمریکا را داراست. لابی یهودیان آمریکا به عنوان کارگزار، فاعل بازارده‌ای است که با هدف حداکثر کردن منافع سعی دارد با رفتار کنش‌مندان در محیط، ساختار را تحت تأثیر خود قرار دهد و به تحقق اهداف خود امیدوار باشد.

لابی یهودیان آمریکا با استفاده از پنج ویژگی کارگزاری خود شامل قدرت‌مداری، ارزش‌مداری، منفعت‌مداری، آگاهی‌مداری و انتخاب‌مداری توانسته است با بسیج منابع لازم، همواره در تحقق اهداف خود موفق باشد. براساس یک گزارش اعلام‌شده، «آپیک» به عنوان مهم‌ترین لابی یهودیان آمریکا در طول سالیان فعالیت خود تنها در چهار مورد شکست خورده و در مابقی موارد مورد فعالیت خود، به پیروزی رسیده است.^(۵)

لابی یهودیان آمریکا، برای تولید خروجی‌های ملموس و مداوم در جهت اهداف خود، همواره سعی کرده است اولاً به روشنی دستور کارهای خود را تعریف کرده، آن را تبدیل به استراتژی خود ساخته و سپس این استراتژی را به عنوان بخشی از منفعت ملی آمریکا مطرح سازد. قدرت لابی یهودیان آمریکا در توجیه اهداف خود به عنوان منفعت ملی آمریکا همواره نمود روشنی داشته است. لابی یهودیان توانسته است با نفوذ خود در قوه مجریه، قوه

مقننه و مراکز فکری^۱ و رسانه‌ها به این مهم نایل آید و اهداف خود را به عنوان منافع آمریکا توجیه کند. ثانیاً این لابی توانسته است منابع قدرت خود را تبدیل به قدرت سیاسی کند و این قدرت سیاسی در ادامه توانسته است اهداف لابی یهودیان را که به عنوان منفعت ملی آمریکا مطرح شده، محقق کند. ماحصل این فرایند این است که همواره از لابی یهودیان آمریکا به عنوان یک لابی بسیار قدرتمند «شاه کنگره آمریکا»^۲، «ماهیچه یهودی»^۳ و «گربه بزرگ»^۴ یاد می‌شود که همواره پیروز میدان‌ها است.

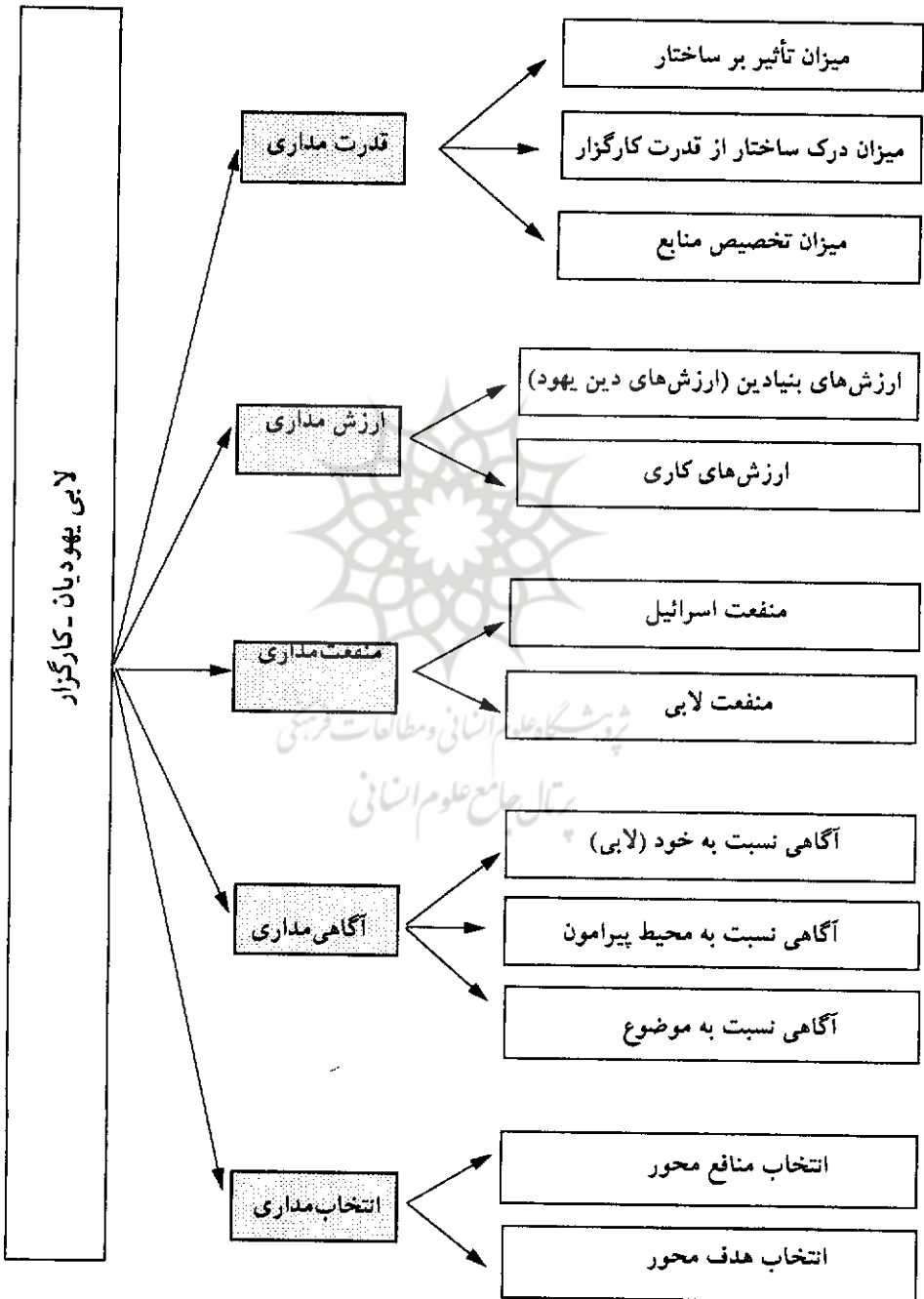
در موضوع تصویب تحریم علیه ایران، لابی یهودیان آمریکا فعالیت بسیار چشمگیری داشته و در واقع نقش تعیین‌کننده‌ای در طرح، تصویب و اجرای این قانون علیه ایران برعهده داشته است. فرایندی که پایان آن تصویب و اجرای قانون تحریم ایران توسط ساختار سیاست خارجی آمریکا بود، از نقطه‌ای آغاز گردید که در کارگزاری یعنی لابی یهودیان، «ایده تحریم»^۵ ایران طرح گردید. طرح ایده تحریم در کارگزار نقطه آغازین یک فرایند بود که باید توسط کارگزار طراحی می‌گردید تا طرح تحریم، از یک طرح صرف به یک استراتژی برای عمل تبدیل گردد و سپس این استراتژی با توجه به ویژگی‌های کارگزاری لابی یهودیان به عنوان بخشی از منفعت ملی آمریکا طرح شده و در ادامه تصویب و اجرا گردد.

برای آنکه طرح تحریم در لابی یهودیان تبدیل به «استراتژی تحریم»^۶ گردد، باید این طرح در چارچوب متغیر «نهادها»^۷ سیاست‌ها^۸ و منافع^۹ لابی یهودیان طرح و محقق می‌گردید.

1. Think- Tanks
3. Jew Muscle
5. Sanction Idea
7. Institutions
9. Interests

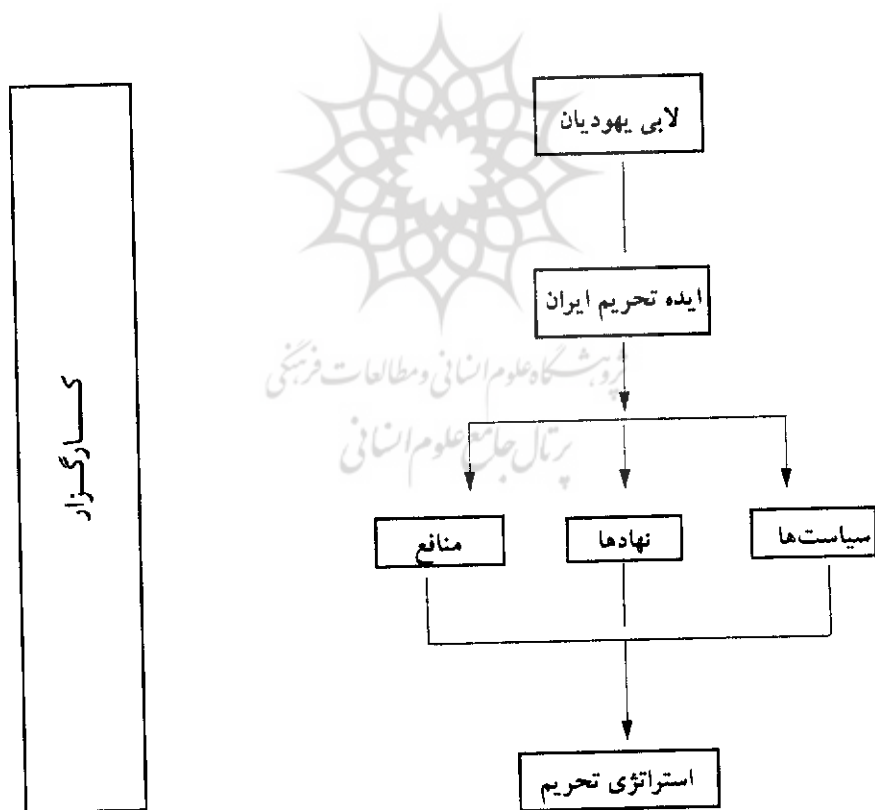
2. The King of Hill
4. Big Cat
6. Sanction Strategy
8. Policies

نمودار تحقق ویژگی‌های کارگزاری در لابی یهودیان آمریکا



نهادهای لابی یهودیان شامل نهادهایی است که طراحی و تحقق طرح اولیه تحریم را برعهده داشتند. در مورد تحریم‌های ایران نهاد اصلی لابی یهودیان که فعالیت مستقیمی در این زمینه داشت، مهم‌ترین لابی یهودیان آمریکا «آپیک» بود که در واقع مسؤلیت تحقق این مهم را برعهده گرفت.

نمودار کنش‌های لابی یهودیان، کارگزار تحریم ایران برای اتخاذ استراتژی تحریم علیه ایران



سیاست‌های لابی یهودیان شامل مجموع سیاست‌های کلانی بود که توسط لابی یهودیان تحت تأثیر سیاست‌های دولت اسرائیل برای تحدید قدرت^۱ و مواجهه با تهدید ایران در دهه ۱۹۹۰ برنامه‌ریزی شده بود. منافع لابی یهودیان شامل مجموعه منافی بود که موجب گردید لابی یهودیان آمریکا برای حفظ منافع درونی لابی و تداوم اقتدار این لابی به دنبال ایده تحریم ایران باشد و برای تحقق آن فعالیت کند.

۱. نقش نهادهای لابی یهودیان آمریکا به عنوان کارگزار تحریم ایران

زمانی که به لابی یهودیان در آمریکا فکر می‌کنیم گروهی که به ذهن متبادر می‌شود، «آپیک» است. آپیک در طول سال‌ها دارای نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در موضوعات مرتبط کاری خود است. این لابی به عنوان سخنگوی اسرائیل در ایالات متحده عمل می‌کند. در گذشته، هر آنچه که مورد حمایت دولت اسرائیل بوده، مورد حمایت «آپیک» نیز بوده است. آپیک قدیمی‌ترین و کاراترین لابی به شمار می‌آید. آنچه که آپیک را تبدیل به مهم‌ترین سازمان طرفدار اسرائیل می‌سازد، کارکرد آن به عنوان یک گروه ذی‌نفع است. رهبران آپیک همواره اظهار می‌دارند که «آپیک» یک سازمان آمریکایی است و نه یک عامل خارجی و این سازمان برای تسهیل و تقویت روابط میان مردم و دولت آمریکا و اسرائیل شکل گرفته است.

«آپیک» به عنوان مهم‌ترین لابی یهودیان آمریکا، تعیین‌کننده‌ترین نقش را به عنوان یک نهاد یهودی در مطرح‌شدن ایده تحریم و تبدیل آن به استراتژی تحریم علیه ایران داشت. این لابی با استفاده از نفوذ خود در دستگاه‌های تصمیم‌گیری و اجرایی آمریکا، مراکز فکری و تحقیقاتی توانست به شکل بسیار تعیین‌کننده‌ای این ایده را تبدیل به استراتژی کند و آن را به تصویب رساند. نقش این نهاد در تحقق تحریم ایران به شکلی روشن بود که تقریباً تمامی افراد و مراکز مرتبط با موضوع تحریم ایران، بر آن صحه گذاشته‌اند.

«آپیک» در ابتدای دهه ۱۹۹۰ در برنامه‌های آتی خود توجه ویژه‌ای نسبت به ایران معطوف می‌داشت. در اولین اولویت برنامه‌های کاری آپیک به‌طور مستقیم به نام ایران اشاره شده بود. همچنین جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح‌های اتمی، به‌عنوان برنامه اول «آپیک» برای آینده طرح شده بود. در واقع از پنج دستور کار «آپیک»، اولین و مهم‌ترین هدف، جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح‌های اتمی بوده است.^(۶) در حال حاضر نیز این هدف، همچنان در اولویت دستور کار آپیک قرار دارد.^(۷)

همچنین در سومین برنامه کاری آینده آپیک که دفاع از اسرائیل علیه تهدیدات آتی است به موشک‌های ایران اشاره شده است که باید از رشد آن جلوگیری می‌شد.

در این راستا، تحریم ایران مهم‌ترین ابزار برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح‌های اتمی و موشک‌های دوربرد محسوب می‌شد. «آپیک» در جهت تحقق اهداف خود برای اتخاذ استراتژی تحریم، خطر مداوم ایران را گوشزد و آن را بزرگ‌نمایی می‌کرد. «آپیک» در گزارشی از اقدامات خود به برهم زدن برنامه‌های اتمی اشاره کرده و انجام این امر مهم را محصول اقدامات ذیل به‌ویژه تحریم‌های آمریکا دانست.

۱. برای انسداد برنامه‌های اتمی ایران و صادرات موشک به ایران، با صدور قانون تحریم شرکت‌های خارجی که به برنامه‌های موشکی ایران کمک می‌کنند، اختلال ایجاد شده است.

۲. متوقف کردن روند سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت ایران با تصویب و اعمال قانون تحریم ایران (بخش نفت ایران منبع اولیه تأمین مالی برنامه‌های توسعه سلاح‌های اتمی بوده است).

۳. تحت فشار قرارداد دادن روسیه برای پایان دادن به همکاری با ایران از طریق تهدید به عدم اعطای تا پنجاه درصد کمک‌های آمریکا به این کشور از سوی دولت آمریکا.

۴. هشدار به دولت کلینتون برای تغییر سیاست آمریکا نسبت به ایران تا در زمانی که

تغییر عملی در رفتار ایران حاصل شده باشد.^(۸)

همچنین در این گزارش به مبارزه با فعالیت‌های تروریستی و تهدیدات دیگر کشورهای یاغی از جمله ایران اشاره و از کمک‌های آمریکا در این زمینه یاد شده است.^(۹)

آپیک برای تصویب لایحه ایران که توسط داماتو به کنگره ارائه شد، در ۲۹ مارس ۱۹۹۵ یک جزوه ۷۶ صفحه‌ای با عنوان «تحریم‌های جامع آمریکا علیه ایران: برنامه‌ای برای عمل» را منتشر کرد. این گزارش بحث می‌کند که ایران تهدیدی نسبت به همسایگان خود است و در جستجوی گسترش سلاح‌های کشتار جمعی است، در تروریسم بین‌المللی دست دارد و با فرایند صلح خاورمیانه مخالف است. از این رو ایران باید تحریم گردد.

آپیک با توزیع «برنامه عمل»^۱ برای اعضای کنگره آمریکا در صدد بود تا آنها را برای اعمال تحریم علیه ایران متقاعد کند. مقامات ارشد «آپیک» که دارای سابقه درخشان در لابی‌کردن هستند، پیش‌بینی کردند که لایحه ضد ایرانی به راحتی در کنگره آمریکا به تصویب برسد چرا که در کنگره تب ضد ایرانی به شدت وجود دارد.^(۱۰)

در این ارتباط «کیث وایس من»^۲ تحلیل‌گر ارشد کمیته خاورمیانه «آپیک» به مجله «واشنگتن ریپورت»^۳ گفت که «آپیک» در واقع لویح دوگانه‌ای را که «آلفونسو داماتو» به کنگره ارائه کرده، نگاشته است. این مدعایی قابل پذیرش است چرا که «آپیک» لویح زیادی را می‌نگارد و آنها را به کمک وکلای زبردست خود به تصویب می‌رساند.^(۱۱)

درخصوص همین موضوع مک کینون پژوهش‌گر ارشد مجله واشنگتن ریپورت می‌نویسد: آنچه که کلینتون در ۳۰ آوریل ۱۹۹۵ با عنوان «دستور اجرایی ۱۲۹۵۹» امضا کرد، در واقع آن چیزی است که توسط آپیک ارائه شده و با عنوان (گزارش) «داماتو ۱»^۴ معروف بود. داماتو ۵۲، همان لایحه تحریم ایران و لیبی بود که بعداً تصویب شد.^(۱۲)

در این راستا، «مؤسسه خاورمیانه برای سیاست‌های خاور نزدیک»^۶ که مؤسسه

1. The Plan for Action.

2. Keith Weissman

3. Washington Report

4. Damato 1

5. Damato 2

6. The Washington Institute for Near Middle East Policy

تحقیقاتی، بازوی فکر و از «مراکز فکری» لابی یهودیان آمریکا است در سال ۱۹۹۵ و سال ۱۹۹۶ با انجام تحقیقات و ارائه مطالب زیادی سعی نمود با فضا سازی و ایراد اتهام به ایران، زمینه را برای برخوردهای آمریکا فراهم سازد.

«سیاست داخلی» در آمریکا همواره از نفوذ بسیار زیادی در شکل‌گیری «سیاست خارجی» این کشور نسبت به ایران برخوردار بوده است. «آپیک»، لابی یهودیان آمریکا به‌عنوان یک لابی قدرتمند پشتیبان مهار و تضعیف ایران بوده است. در این راستا «نیل شر»^۱، رئیس آپیک، در کنگره آمریکا چندین بار در حمایت از تحریم‌های آمریکا علیه ایران سخنرانی کرد. آپیک در واقع حمایت‌کننده اصلی قانون تحریم ایران بوده است. در آن زمان آپیک از سیاست‌های ضد تروریسم و سیاست‌های حمایت‌کننده از دولت اسرائیل به شدت پشتیبانی می‌کرد. (۱۳)

بنابراین ایده تحریم ایران می‌توانست هم به دولت اسرائیل کمک کند و هم از فضای ضدایرانی جامعه آمریکا به نحو احسن بهره‌برداری کند. «ماروین زونیس» پروفیسور اقتصاد سیاسی بین‌المللی در دانشگاه شیکاگو، نیز عقیده دارد مهم‌ترین دلیل اعمال تحریم‌های آمریکا علیه ایران، حمایت لابی طرفدار اسرائیل و دولت اسرائیل بوده است.^(۱۴) همچنین «پروفیسور هارولد فیوسون» نیز نقش آپیک را در تصویب قانون تحریم ایران کلیدی قلمداد می‌کند.^(۱۵)

۲. سیاست‌های لابی یهودیان آمریکا به عنوان کارگزار تحریم ایران

بنا بر آنچه گفته شد تغییر طرح ایده تحریم به استراتژی تحریم مبنای اقدامات بعدی لابی برای ارائه طرح تحریم ایران در کنگره و تصویب و اجرای آن در دولت کلینتون گردید. به شکل سنتی، «آپیک» به عنوان یک لابی نژادی که مرکزیت آن در اسرائیل قرار دارد به دنبال ارتقا و تحقق منافع اسرائیل در آمریکا است. در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی اسرائیلی‌ها در تحلیل موقعیت خود در خاورمیانه پس از جنگ سرد، ایران را به عنوان یکی از مهم‌ترین

خطرات نسبت به موجودیت اسرائیل اعلام کردند و افزودند:

ایران تا پایان دهه ۱۹۹۰ میلادی تبدیل به نیروی مسلط خاورمیانه خواهد شد. همچنین ایران به عنوان مرکز الهام‌بخش بنیادگرایی اسلامی و حمایت‌کننده عملی این جریان، تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، کسب موشک‌های دوربرد منطقه‌ای و تلاش برای کسب موشک‌های دوربرد قاره‌پیما، ممانعت در برابر فرایند صلح خاورمیانه، صدور تروریسم بین‌المللی در تمامی مناطق دنیا، در تلاش برای کسب سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی است و باید با قدرت در برابر ایران ایستاد و از قدرت‌یابی بیشتر این کشور جلوگیری کرد.

بنابراین براساس سیاست دولت اسرائیل، به دلیل خطر روزافزون ایران باید بازدارندگی در مقابل ایران حتماً صورت پذیرد. در این راستا برای تحدید خطر ایران، ائتلاف و همکاری با ایالات متحده برای اسرائیل یک گزینه مطلوب تصور می‌شود. چراکه اولاً آمریکا نیز پس از انقلاب همواره در تضاد دائمی با ایران به سر می‌برد و ثانیاً دولت دموکرات کلیتون در کاخ سفید به قدرت رسیده بود که دارای تمایلات به شدت یهودی بوده و ده‌ها شخصیت یهودی در موفقیت‌های شغلی مختلف در دولت کلیتون مشغول به فعالیت شده بودند.

در این راستا، «تحریم ایران» و محدودسازی توانایی‌های ایران، تبدیل به سیاست دولت اسرائیل گردید. در ادامه این سیاست، «آپیک» به همراه دولت اسرائیل شروع به فضاسازی علیه ایران و بزرگ‌نمایی خطر ایران نسبت به اسرائیل، منطقه و دنیا کردند تا فضای روانی لازم را در آمریکا برای اقدامات بعدی ایجاد کنند.

در چارچوب سیاست‌های دولت اسرائیل و لابی یهود در آمریکا، ایده تحریم ایران مطلوب‌ترین گزینه برای محدودسازی قدرت ایران و به میان کشیدن پای آمریکا برای مقابله با ایران به حساب می‌آمد. از این رو سیاست‌های لابی یهود در کارگزاری تحریم ایران در سطح تحلیل کلان به خاستگاه‌های ایدئولوژیک این لابی نژادی و وابستگی‌های ساختاری و

تعلقات روانی به اسرائیل معطوف می‌گردد. این لابی در پی سیاست دولت اسرائیل برای بزرگ‌نمایی خطر ایران و محدودسازی قدرت ایران نیز سیاست تحریم ایران را در داخل ایالات متحده با شدت پیگیری کرد که نتیجه نهایی آن گزارشی ۷۶ صفحه‌ای بود که با عنوان «تحریم‌های جامع آمریکا علیه ایران: برنامه‌ای برای عمل» به اعضای کنگره آمریکا در سال ۱۹۹۵ ارائه گردید. در ادامه، لابی یهودیان آمریکا با استفاده از «داماتو» مهره خود در کنگره آمریکا و باتوجه به نفوذ خود در کنگره، توانست قانون تحریم ایران را به تصویب برساند.

۳. منافع لابی یهودیان آمریکا به عنوان کارگزار تحریم ایران

لابی‌های متعدد یهودی در واشنگتن در جهت اهداف جامعه یهودیان فعالیت می‌کنند. از جمله این لابی‌ها می‌توان به «کمیته یهودیان آمریکا»^۱، «کنگره یهودیان آمریکا»^۲، «بی‌نای بریث اینترنشنال»^۳، «هداسا»^۴، «شورای ملی زنان یهودی»^۵، «سازمان صهیونیستی آمریکا»^۶ و «لابی صلح یهودیان»^۷ اشاره کرد که البته «آپیک» دارای بیشترین قدرت و نفوذ می‌باشد. در این میان «آپیک» از بدو تأسیس، تبدیل به لابی عمده اسرائیل در آمریکا گشته و توانسته است تأثیرات غیرقابل انکاری بر روابط آمریکا و اسرائیل داشته باشد. تداوم نفوذ «آپیک» در رابطه بین آمریکا و اسرائیل، پدیده‌ای اتفاقی نیست. این لابی همواره در طول زمان‌های مختلف با تکیه بر نفوذ و تخصص کارشناسان خود توانسته است با اتخاذ سیاست‌های دقیق به عنوان مهم‌ترین لابی تأثیرگذار یهودیان باقی بماند و جایگاه خویش را به عنوان مهم‌ترین لابی یهودیان همواره تثبیت سازد.

کنش‌های آپیک برای تثبیت خود به عنوان مهم‌ترین لابی یهودیان به دو دلیل متفاوت

1. The American Jewish Committee
3. Bnai Brith International
5. The National Council of Jewish Woman
7. Jewish Peace Lobby

2. The American Jewish Congress
4. Hadassah
6. Zionist Organization of America

صورت گرفت. اول در ارتباط با دولت اسرائیل و دوم در ارتباط با دیگر لابی‌های یهودیان آمریکا.

در موضوع تحریم ایران نیز «آپیک» تحریم ایران را به عنوان دستاویز تأمین منافع خود به عنوان مهم‌ترین لابی یهودیان قرار داد. در واقع اگر در بحث سیاست‌های لابی یهودیان، سطح تحلیل، کلان و ناظر بر منافع کلی اسرائیل و به تبع آن لابی یهودیان بود، بحث منافع لابی یهودیان دارای سطح تحلیل خرد بوده و ناظر بر منافع «آپیک» در طرح ایده تحریم ایران و سعی و تلاش فراوان برای تبدیل آن به استراتژی تحریم ایران و تلاش مضاعف برای تصویب و تحقق آن می‌باشد. به عبارت دیگر منافع «آپیک» به عنوان لابی اصلی یهودیان ایجاب می‌کرد تا «موضوع تحریم» به عنوان یکی از مهم‌ترین دستورکارهای آنها قرار گیرد و محقق شود.

برای بررسی دلیل اول در کنش‌های آپیک برای تثبیت خود به عنوان مهم‌ترین لابی یهودیان باید به ارتباط آپیک با دولت اسرائیل توجه کرد. در این راستا باید کشف کرد که تحریم ایران در تثبیت موقعیت آپیک از چه نقشی برخوردار بوده است و در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی شکل ارتباط و میزان روابط آپیک با اسرائیل در چه شرایطی قرار داشته و این که تحریم ایران حائز چه منفعت یا منافعی برای «آپیک» بوده است.

در سال ۱۹۹۲، بعد از ۱۵ سال سلطه سیاسی حزب تندروی لیکود، رأی‌دهندگان اسرائیلی «اسحاق رابین» از حزب کارگر را به نخست‌وزیری برگزیدند. «اسحاق رابین» نخست‌وزیر جدید اسرائیل معتقد بود که دست «آپیک» در جیب حزب لیکود است. وی به مدیران «آپیک» گوشزد کرد که مصمم است سیاست خارجی را به‌طور مستقیم از طریق کاخ سفید دنبال کند. مسؤولان و گردانندگان «آپیک» برای آنکه در راهروهای قدرت جایگاه خود را از دست ندهند، طرح هدف‌گیری و تمرکز بر ایران را ارائه دادند. بنابراین ایران، تبدیل به ابزاری برای بقای «آپیک» گردید.^(۱۶)

زمانی که با تغییر دولت در اسرائیل و قدرت‌گیری حزب کارگر مشخص شد که نقش سنتی «آپیک» در رابطه با اسرائیل در آمریکا به خطر افتاده است و آینده نفوذ این لابی در

معرض خطر است، گردانندگان آپیک برای حفظ منافع خود، ایده تحریم ایران را طرح کردند و برای تحقق آن نهایت تلاش خود را به کار گرفتند.

در واقع همان‌طور که «ایان ویلیامز» نوشته است رهبران آپیک نمی‌خواستند با تغییر سیاست‌ها در اسرائیل از گردونه خارج شوند^(۱۷) و بنابراین ایده تحریم ایران در دستور کار آن قرار گرفت.

از این‌رو مخالفت با ایران و کوبیدن بر طبل ضدایرانی و تلاش برای تصویب قانون تحریم ایران در آمریکا ابزاری برای حفظ منافع «آپیک» و تداوم نقش مهم این لابی در روابط اسرائیل و آمریکا می‌توانست باشد.

چارچوب دلیل دوم در ارتباط با موقعیت دیگر لابی‌های یهودیان آمریکا است. «آپیک» در فرایند تعامل با دیگر لابی‌های یهودی آمریکا که آنها به نوعی رقیب به حساب می‌آمدند، از ایده تحریم ایران به عنوان طرحی برای تثبیت و تداوم موقعیت خود استفاده کرده و همواره سعی دارد دیگر لابی‌های یهودی را به‌ویژه اگر دارای دیدگاه‌های متفاوت با آپیک باشند، به کناری زند.

از اوایل تا اواسط دهه ۱۹۹۰ این‌جاور که «آپیک» سخنگوی منافع اسرائیل در آمریکا است، کم‌رنگ‌تر می‌شد. در این زمان این ایده جدید شکل می‌گرفت که با توجه به کثرت دیدگاه‌های یهودیان در آمریکا، لزوماً یک گروه خاص نمی‌تواند سخنگوی همه آنها باشد. حمایت از تمام سیاست‌های دولت اسرائیل به معنای حمایت از یهود و اسرائیل نیست. بنابراین لزوماً سیاست‌های متعصبانه «آپیک» در حمایت از دولت اسرائیل همیشه به نفع یهودیان نخواهد بود.^(۱۸)

مجموعه اتفاقات رخ داده در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی در رقابت‌های آپیک با دیگر لابی‌های یهودی موجب گردید که «آپیک» برای آنکه بتواند قدرت خود را تداوم بخشد، ایده تحریم ایران را به پیش برد.

تغییر دولت لیکود در اسرائیل و تغییر سیاست دولت اسرائیل که موجب گردید دیگر

دولت کارگری، آپیک را به عنوان واسطه اصلی رابطه آمریکا و اسرائیل نپذیرد به همراه قدرت گرفتن سایر لابی‌های یهود مانند «لابی یهود برای صلح»، شرایطی را برای آپیک به وجود آورد که نبرد را به جبهه‌ای دیگر منتقل کند. تحقق ایده تحریم ایران می‌توانست قدرت آپیک را به رخ حریفان بکشاند و از سوی دیگر ضامن تداوم منافع «آپیک» به عنوان مهم‌ترین لابی یهودیان آمریکا نیز باشد.

لابی یهودیان آمریکا و تصویب قانون تحریم ایران

الف) اعمال نفوذ بر قوه مجریه

گروه‌های ذی‌نفع در جهت تحقق اهداف خود از تکنیک‌های متنوعی استفاده می‌کنند. گروه ذینفع یهودیان آمریکا به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های ذینفع و مهم‌ترین گروه نژادی در ایالات متحده نیز با نهایت قدرت و دقت از این تکنیک‌ها استفاده می‌کند.

یکی از مهم‌ترین تکنیک‌های مورد استفاده گروه‌های ذی‌نفع «لابی کردن» است. لابی کردن بنا بر تعریف، تمام کوشش‌های سازمان‌یافته افراد و گروه‌ها برای تأثیر در روند تصویب، شکست یا تغییر قوانین یا اعمال نفوذ بر تقسیمات بخش‌های دولتی اعم از مقننه و مجریه است. لابی کردن گروه‌های ذی‌نفع به دو شکل کلی لابی مستقیم و لابی غیرمستقیم صورت می‌پذیرد.

لابی به‌طور کلی کلیدی‌ترین مفهوم برای گروه‌های ذی‌نفع و به معنی توانایی دسترسی به مسؤولان و مقامات دولت است. بنابراین، گروه‌های ذی‌نفع سعی در ایجاد روابط بلندمدت با قانون‌گذاری و مسؤولان دولتی دارند. چنین روابط و مراوداتی بر احترام و همکاری متقابل مبتنی است. گروه‌های ذی‌نفع سعی می‌کنند برای مقامات یک منبع اطلاعات و کمک باشند و مسؤولان نیز در برابر خدمت ارائه‌شده، نظرات خود را با گروه‌ها در میان می‌گذارند.

بنابراین تکنیک لابی مستقیم، شامل شیوه‌ای است که گروه‌های ذی‌نفع و لابی‌های آنان را شخصاً به مسؤولان نزدیک می‌کند تا موضوع موردنظر خود را طرح و پیگیری کنند.

استراتژی تحریم ایران در درون گروه ذی‌نفع یهودیان تنها یک طرح بود و برای تحقق

آن می‌بایست قوه مجریه و قوه مقننه آمریکا نیز نسبت به آن اقبال نشان دهند. در این راستا، آپیک سعی کرد با اقدامات خود ساختارهای تأثیرگذار سیاست خارجی آمریکا (قوه مجریه و مقننه) را در جهت تحقق این هدف خود تحت تأثیر قرار دهد.

۱. اتخاذ رهیافت دسترسی به قدرت از سوی یهودیان آمریکا

«رهیافت دسترسی به قدرت»^۱ یکی از رهیافت‌هایی است که گروه‌های ذی‌نفع در راستای تکنیک لابی مستقیم برای تحقق اهداف خود می‌توانند آن را به کار گیرند.^(۱۹) در چارچوب «رهیافت دسترسی به قدرت» گروه‌های ذی‌نفع سعی می‌کنند شبکه ارتباط و نفوذ خود را به بالاترین سطح ممکن در ساختار یا سازمان هدف برسانند. از آنجایی که دسترسی به تصمیم‌سازان مهم‌ترین انگیزه گروه‌های ذی‌نفع در فرایند فعالیت‌های آنها می‌باشد، در چارچوب رهیافت دسترسی به قدرت، بالاترین تصمیم‌سازان^۲ مدنظر قرار می‌گیرند. دسترسی به بالاترین تصمیم‌سازان در واقع دسترسی مستقیم به قدرت سیاسی، منابع تصمیم‌گیری، اطلاعات دست اول و ارتباطات تعیین‌کننده است.

گروه ذی‌نفع (لابی) یهودیان آمریکا در جهت محقق کردن استراتژی تحریم ایران، از رهیافت دسترسی به قدرت بهره گرفت. در این چارچوب گروه ذی‌نفع یهودیان آمریکا با استفاده از این رهیافت، دسترسی به تصمیم‌سازان اصلی در قوه مجریه و قوه مقننه آمریکا را هدف خود قرار داد.

در قوه مجریه آمریکا در چارچوب این رهیافت برای تحقق استراتژی تحریم ایران، لابی یهودیان بر مهم‌ترین تصمیم‌ساز قوه مجریه آمریکا یعنی رئیس جمهور بیل کلینتون متمرکز گردید. در راستای این رهیافت می‌توان دو تاکتیک متفاوت را نسبت به کلینتون در دوران ریاست جمهوری‌اش شناسایی نمود. تاکتیک اول تأثیر بر رویکرد شخصی کلینتون و تاکتیک دوم تأثیر بر رویکرد سازمانی کلینتون بوده است.

تاکتیک اول: تأثیر بر رویکرد شخصی کلینتون

در چارچوب تاکتیک اول، لایه یهودیان آمریکا سعی کرد تا با بالا بردن میزان ارتباط و نزدیکی با کلینتون، وی را برای ایفای نقش‌های مطرح شده و تحقق استراتژی‌های خود آماده کند. اگر به رفتار کلینتون رئیس جمهور در قالب تاکتیک اول توجه کنیم، درمی‌یابیم که وی تبدیل به شخصیتی شد که همواره آرزوی یهودیان در آمریکا بوده است.

کلینتون در طول دو دوره ریاست جمهوری همواره گفتار و رفتاری از خود در قبال یهودیان بروز می‌داد که او را از دیگر رؤسای جمهور آمریکا در این خصوص متمایز می‌کرد. سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۰، سال‌هایی طلایی برای یهودیان آمریکا بود چرا که در همین سال‌ها بود که یهودیان بیش از هر زمان دیگر در هرم قدرت آمریکا وارد گردیدند.

میزان گرایش و اشتیاق کلینتون نسبت به یهودیان و اسرائیل تا آن حد بالا رفت که وی اظهار داشت: هر غمی و مرگی در اسرائیل، غمی و مرگی در خانواده ماست^(۲۰) و در مقابل نخست وزیر اسرائیل درباره کلینتون گفت: کلینتون دوستی استثنایی برای اسرائیل است.^(۲۱)

نکته جالب این که در انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۹۲ آمریکا، ۸۲ درصد یهودیان آمریکا به کلینتون رأی دادند.^(۲۲)

«آونوآم باریوسف»^۱، خبرنگار روزنامه اسرائیلی «مآریو»^۲ در واشنگتن در مقاله‌ای؛ به حضور نامتعارف یهودیان در دولت کلینتون اشاره کرد. کلینتون برای اولین بار دو عضو دیوان عالی را از ۹ عضو از میان یهودیان برگزید. همچنین وی «جان دویچ»^۳ را به ریاست «سیا» انتخاب کرد که یهودی بود و با اسرائیلی‌ها رابطه خانوادگی داشت. دویچ نیز تمامی سمت‌های مهم «سیا» جز یکی، همه را به یهودیان سپرد.^(۲۳)

در حقیقت زمانی که کلینتون به قدرت رسید، در سال اول و دوم ریاست جمهوری وی، مطبوعات اسرائیلی بسیار متحیر شده بودند. آنها می‌گفتند که برای اولین بار ما یک رئیس

جمهور آمریکاایی داریم که در افراطی‌ترین بخش افراطی‌های اسرائیل قرار گرفته است. (۲۴)

کلینتون در ۱۵ مارس ۱۹۹۳ در ادامه ابراز احساسات خود نسبت به یهودیان در کنفرانس مطبوعاتی خود گفت: تنها یک چیز را می‌توانم بگویم که مطمئناً تغییر نخواهد کرد و آن همبستگی بی‌همتای آمریکا و اسرائیل است. (۲۵)

شختر، یهودی معروف که دادستان وقت هوستون نیز بوده و قبلاً در تیم تبلیغات انتخاباتی کلینتون نیز حضور داشته است در مقاله‌ای درباره کلینتون نوشت: ریاست جمهوری کلینتون پتانسیل‌های خود را برای عظمت نشان می‌دهد. کلینتون باهوش و مشتاق، بهترین رئیس جمهور برای جامعه یهودیان در تاریخ بوده است. کلینتون سخت‌ترین حامی اسرائیل از میان رؤسای جمهوری آمریکاست. (۲۶)

وی همچنین می‌نویسد: کلینتون تعداد بیشتری از یهودیان را نسبت به تمام رؤسای جمهوری آمریکا به دولت خود وارد کرد. مؤسسات یهودی آمریکا ۴۰ درصد بودجه خود را از دولت فدرال و دولت‌های محلی به دست می‌آورند. تنها در هوستون، این مؤسسات ۴ میلیون دلار از دولت دریافت می‌کنند. همه باید تلاش کنند تا کلینتون - گور بار دیگر انتخاب گردند. (۲۷)

میزان حمایت کلینتون از یهودیان به اندازه‌ای رسید که یک نویسنده آمریکایی نوشت: کلینتون حامی‌ترین رئیس جمهور آمریکا از اسرائیل است. بیشتر همکاران کلینتون در زمینه خاورمیانه، یهودی و از مدافعان سرسخت اسرائیل‌اند. (۲۸)

روند ارتباط کلینتون و یهودیان آمریکا به شکلی تداوم یافت که وی به عنوان اولین رئیس جمهور در حال خدمت آمریکا در کنوانسیون «آپیک» یک‌بار در سال ۱۹۹۵ و بار دوم سال ۱۹۹۶ در هتل هیلتون واشنگتن در کنار شیمون پرز سخنرانی کرد. وی تنها رئیس جمهور آمریکاست که دو بار در این کنوانسیون سخنرانی داشته است. کلینتون در سخنان خود گفت: من می‌توانم هر سال تاریخ‌ساز شوم و هر سال تا پایان عمرم در اینجا سخن بگویم. (۲۹)

در این کنوانسیون، نخست وزیر اسرائیل کلینتون را رهبر بزرگ جهان آزاد نامید که برای

دنیايي بهتر می‌کوشد. وی خطاب به کلیتون افزود: شما تکیه‌گاه در زمان درد و رنج هستید و زمانی که در چشمان شما بعد از حملات تروریستی اشک حلقه می‌زند، ما نیز به همراه شما می‌گیریم. من به عنوان نماینده نسل جدید اسرائیل از شما متشکرم.^(۳۰)

در این مراسم کلیتون تعهد آمریکا به امنیت اسرائیل را غیرقابل تغییر نامید کلیتون از «آپیک» به عنوان صدای رسای طرفداری از لایحه مبارزه با تروریسم که او آن را هفته گذشته امضا کرده بود، تشکر کرد. او در ادامه خطاب به «آپیک» گفت: شما خود را وقف تقویت رابطه آمریکا با اسرائیل کرده‌اید. اسرائیل یک بخش مهم سیاست خارجی آمریکا است. آمریکا و اسرائیل براساس دو سنگ بنای «ارزش‌های مشترک» و «استراتژی‌های مشترک»^۱ همکاری می‌کنند و این همکاری ادامه خواهد یافت.

مغازه کلیتون با یهودیان و دولت اسرائیل به شکلی ادامه یافت که در هنگام سفر کلیتون به اسرائیل در سال ۱۹۹۶، در کنفرانس خبری، زمانی که نخست وزیر اسرائیل گفت: ایران و سوریه مراکز تروریست‌ها هستند،^(۳۱) کلیتون نیز اظهار داشت: ایران خود را متعهد به حمایت از تروریست‌ها می‌داند و پیشرفت‌های چندساله اخیر در فرایند صلح را نادیده گرفته است و باید در برابر آن ایستاد.^(۳۲)

«شیمون پرز» در کنوانسیون ۱۹۹۶ «آپیک» در واشنگتن که با حضور کلیتون برگزار شد این سازمان را سازمانی نامید که به دنبال ارتقای روابط آمریکا و اسرائیل است و نیاز مبرمی به فعالیت‌های آن وجود دارد. وی همچنین از جانب مردم اسرائیل از جامعه یهودیان آمریکا برای همکاری بی‌درغشان تشکر و ابراز امیدواری کرد که با همکاری با یکدیگر، صلح و امنیت را برای اسرائیل به ارمغان بیاورند.^(۳۳)

یک خاخام کنیسا به نام «آدات اسرائیل» در اجتماعی در واشنگتن در سال ۱۹۹۶ در بخشی از موعظه خود با اشاره به جایگاه محکم و ثقل فرهنگی و سیاسی یهودیان آمریکا (در زمان کلیتون) گفت: برای نخستین بار در تاریخ آمریکا است که دیگر ما خود را به صورت

پراکنده و آواره احساس نمی‌کنیم. آمریکا دیگر یک حکومت غیریهودی شمرده نمی‌شود و یهودیان آمریکا در همه تصمیم‌گیری‌ها شرکت دارند.^(۳۴)

بدین‌گونه بود که در چارچوب رهیافت دسترسی به قدرت، یهودیان به مهم‌ترین تصمیم‌ساز و قدرتمندترین فرد در قوه مجریه و حکومت آمریکا دست یافتند.

تاکتیک دوم: تأثیر بر رویکرد سازمانی کلینتون

در چارچوب تاکتیک دوم، لابی یهودیان آمریکا سعی می‌کرد در عین تأثیر بر رویکرد شخصی کلینتون شرایطی را ایجاد نماید تا وی به عنوان رئیس قوه مجریه، در رفتارهای سازمانی خود نیز رفتارهای مطلوب لابی یهودیان را اجرا کند.

بنابراین از دیدگاه لابی یهودیان، کلینتون به عنوان رئیس جمهور و رئیس قوه مجریه می‌بایستی رفتارهایی در چارچوب سازمانی بروز دهد که پیامد منطقی آن از جمله تحقق استراتژی تحریم ایران از سوی یهودیان آمریکا باشد.

در چارچوب رویکرد دوم نیز شرایط به شکلی پیش رفت که همان انتظارات یهودیان از کلینتون در رفتار سازمانی محقق گردید.

در این راستا «مؤسسه یهودی امور امنیت ملی»^۱ که در هیأت مدیره آن شخصیت‌های برجسته‌ای مانند «جین کرک پاتریک»^۲، «جیم ولسی»^۳، «دیک چنی»^۴ و «جین رستو»^۵ عضویت داشتند، در اکتبر سال ۱۹۹۴ طی نامه‌ای به کلینتون از وی خواست که گامی فراتر از مهار دوگانه بردارد و در مخالفت‌های شعاری خود با سیاست‌های ایران، دندان‌های تیز نیز اضافه کند و فعالانه خواستار همکاری و مشارکت دیگر کشورها در پیشبرد خط‌مشی ممنوعیت فعالیت‌های مالی و فن‌آوری با ایران شود.^(۳۵)

در ادامه تلاش‌های یهودیان در سی‌وششمین کنفرانس سالیانه آپیک در می ۱۹۹۵ که

1. Jewish Institute for National Security Affairs (JINSA)

2. Jean Kirkpatrick

3. Jim Woolsey

4. Dick Cheney

5. Gene Rostow

در واشنگتن برگزار گردید، «نیل شر» رئیس اجرایی آپیک اعلام کرد: مهار ایران اولویت اقدامات آپیک است که مقدم بر اهداف سنتی مانند امنیت اسرائیل و تبدیل بیت‌المقدس به عنوان پایتخت قرار گرفته است.^(۳۶)

در این کنفرانس، مقامات آمریکایی و اسرائیلی شامل رئیس جمهور کلینتون و نخست وزیر اسرائیل اسحاق رابین بر نیاز مبرم به مهار ایران تأکید کردند. منطق آنان برای مهار ایران بر مفروضات زیر استوار بود:

۱. ایران متهم به صدور بنیادگرایی رادیکال است.
 ۲. ایران دارای جاه‌طلبی برای دستیابی به سلاح‌های اتمی است.
 ۳. ایران متهم به تأمین مالی تروریسم جهانی است. از این کنفرانس به بعد بود که ایران به عنوان یک تهدید اساسی نسبت به صلح و امنیت منطقه‌ای و جهانی قلمداد گردید.^(۳۷)
- «هرمان فرانس» و «الن مورتون» معتقدند که فشار «آپیک» بر دولت کلینتون و کنگره برای اقدام عملی علیه ایران به دلایل چندی صورت می‌پذیرفت. دلیل اول آن بود که گفته می‌شد ایران از فعالیت‌های تروریستی علیه اسرائیل حمایت می‌کند که در نتیجه آن از سال ۱۹۹۴ بدین سو، بمب‌گذاری‌های حماس و جهاد اسلامی رخ داده بود. این بمب‌گذاری‌ها، در سال ۱۹۹۵ شدت یافته و موجب پیروزی نتانیاهو بر پرز شد. علاوه بر آن سازمان اطلاعات اسرائیل آمریکا را مطلع کرده بود که ایران در حال کسب تجهیزات سلاح‌های کشتار جمعی است و روسیه نیز برای تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر ابراز آمادگی کرده است.^(۳۸)
- در سازمان «آپیک» فعالیت شدیدی برای تصویب تحریم‌های جامع آمریکا علیه ایران شامل تحریم‌های ثانویه بر علیه شرکت‌های خارجی که در صنعت نفت ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند صورت گرفت.

در این زمان کلینتون به شدت تحت فشار لابی یهودیان آمریکا بود. کلینتون سخنان «ویلیام فول‌برایت»،^۱ رئیس کمیته روابط خارجی سنا را به یاد آورد که در برنامه تلویزیونی

«سی بی اس» با نام «در برابر ملت»^۱ در اکتبر سال ۱۹۷۳ اعلام کرد «مجلس سنای آمریکا مطیع سیاست‌های اسرائیل است و اسرائیلی‌ها خط‌مشی‌کنگره به ویژه مجلس سنا را تعیین می‌کنند و هر موضوعی را که اسرائیلی‌ها در سنا بخواهند، می‌توانند با ۷۵ الی ۸۰ رأی به دست آورند». کلیتون می‌دانست که این ارزیابی همچنان به قوت خود باقی است و چنانچه خود را با خواست‌های مطرح شده در کتابچه «طرح یک اقدام آپیک» وفق ندهد، ادامه حضور خود در کاخ سفید را با خطر مواجه می‌سازد. بنابراین کلیتون که از «آپیک» و «داماتو» هراس داشت، تصمیم گرفت وارد عمل شود.^(۳۹)

بر اثر فشار لابی یهودیان، تصادفی نبود که کلیتون در ۳۰ آوریل ۱۹۹۵ در حالی که «عرقچین یهودیان»^۲ را بر سر داشت با حضور در میهمانی «کنگره جهانی یهود»^۳ در نیویورک اعلام کرد: «ایران در روند صلح خاورمیانه مشکل ایجاد می‌کند. از آغاز روی کار آمدن دولت من، ما تلاش کرده‌ایم در برابر حمایت ایران از تروریسم بین‌الملل به ویژه حمایت این کشور از گروه‌های خشن مخالف صلح خاورمیانه اقدام کنیم. در عین حال ما سعی کرده‌ایم مانع دستیابی ایران به سلاح‌های کشتار جمعی شویم که از این طریق همسایگان خود بلکه کل منطقه و دنیا را تهدید نکند. من به‌طور رسمی اعلام می‌کنم که ما کلیه روابط تجاری و سرمایه‌گذاری با ایران را قطع می‌کنیم و کلیه فعالیت‌های اقتصادی بین دو کشور را به حالت تعلیق درمی‌آوریم. برقراری تحریم اقدامی نیست که راحت با آن برخورد کنیم، بلکه من متقاعد شده‌ام که این اقدام کارآمدترین شیوه‌ای است که کشور ما می‌تواند از این طریق مانع انگیزه ایران در دستیابی به سلاح‌های مخرب و حمایت از تروریسم شود. من قصد دارم هفته آینده دستورالعملی صادر کنم که نه تنها شامل بخش انرژی می‌شود بلکه کلیه صادرات آمریکا به ایران و هرگونه سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی و شعبات این شرکت‌ها را ممنوع می‌کند».^(۴۰)

1. Face the Nation

2. Yarmulke

3. World Jewish Congress

بنابراین عجیب نبود که در ۳۰ آوریل ۱۹۹۵، کلیتوتون برای اولین بار در کنگره جهانی یهودیان در نیویورک تشدید تحریم علیه ایران را اعلام کرد. در پی این مسأله بود که کلیتوتون دومین فرمان اجرایی با شماره ۱۲۹۵۹ را در ۶ مه ۱۹۹۵ برای تحریم معاملات خاص درخصوص ایران صادر کرد. (۴۱)

بیل کلیتوتون در گزارش خود به کنگره آمریکا در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۶ دلیل اتخاذ فرمان اجرایی ۱۲۹۵۷ در ۱۵ مارس ۱۹۹۵ و فرمان اجرایی ۱۲۹۵۹ در ۶ مه ۱۹۹۵ علیه ایران را سیاست‌های ایران در حمایت از تروریسم بین‌المللی، تلاش برای تضعیف فرآیند صلح خاورمیانه و کسب سلاح‌های کشتار جمعی اعلام کرد. (۴۲)

۲. اتخاذ رهیافت فن‌سالارانه از سوی یهودیان آمریکا

«رهیافت فن‌سالارانه»^۱ یکی دیگر از رهیافت‌هایی است که گروه‌های ذی‌نفع در راستای تکنیک لابی مستقیم برای تحقق اهداف خود از آن استفاده می‌کنند. (۴۳)

در چارچوب رهیافت فن‌سالارانه، گروه‌های ذی‌نفع سعی می‌کنند شبکه ارتباط و نفوذ خود را به سطوح میانی تصمیم‌سازان نیز منتقل کنند. اگر در چارچوب رهیافت دسترسی به قدرت، سطح اول تصمیم‌سازان کانون توجه گروه‌های ذی‌نفع است اما در چارچوب رهیافت فن‌سالارانه، تصمیم‌سازان سطوح میانی کانون توجه گروه‌های ذی‌نفع را تشکیل می‌دهند. دلیل اتخاذ رهیافت فن‌سالارانه از سوی گروه‌های ذی‌نفع این است که سطوح میانی تصمیم‌سازان دارای نقش مشاوره به تصمیم‌سازان سطح اول بوده و اطلاعات را کسب و با تجزیه و تحلیل، آنها را در اختیار تصمیم‌سازان رده اول قرار می‌دهند. تصمیم‌سازان سطوح میانی کاملاً با فرایند تصمیم‌سازی در ساختارهای بوروکراتیک آشنا هستند و می‌دانند در زمان‌های خاص در مواجهه با شرایط سخت سیاسی و حقوقی چگونه باید رفتار کنند.

در واقع در چارچوب رهیافت فن‌سالارانه، گروه‌های ذی‌نفع می‌توانند با دورشدن از

محیط‌های رسمی و پرتکلف تصمیم‌سازان رده اول، به محیط‌های کمتر رسمی تصمیم‌سازان سطوح میانی وارد شوند تا به اهداف خود دست یابند. تصمیم‌سازان رده میانی هم در قوه مجریه و هم قوه مقننه قرار دارند و با دانش تخصصی خود در زمینه‌های تکنیکی و حقوقی می‌توانند موجب ایجاد روابط بسیار تأثیرگذاری گردند.

لابی یهودیان از رهیافت‌های دسترسی به قدرت و فن‌سالارانه برای تحقق اهدافش استفاده می‌کند. استفاده از رهیافت فن‌سالارانه برای تحقق استراتژی تحریم ایران به یهودیان کمک می‌کند تا بتوانند از اطلاعات و ارتباطات سطوح میانی قوه مجریه نیز استفاده کنند. چه آنکه این تصمیم‌سازان سطوح میانی بودند که ضمن آشنایی با فرایند تصمیم‌سازی در قوه مجریه، در مقام مشاورت تصمیم‌سازان سطح اول نیز عمل می‌کردند. بنابراین هم می‌توانستند در تصمیم سطوح اول تأثیرگذارند و هم در جایگاه خود از قدرت تصمیم‌سازی خویش استفاده کنند.

تصمیم‌سازان رده میانی آمریکا از فضای بیشتری برای اقدامات خود برخوردار هستند و ارتباط با آنها می‌تواند دارای تأثیرات شگرفی بر روند تصمیم‌گیری قوه مجریه آمریکا داشته باشد. روند اجرایی رهیافت فن‌سالارانه از سوی یهودیان آمریکا در سطح میانی تصمیم‌سازان آمریکایی در قوه مجریه دارای دو مرحله متفاوت بود. مرحله اول بر ایجاد شرایط و فشار لازم برای انتخاب یهودیان در سمت‌های کلیدی و مرحله دوم استفاده از این افراد و دیگر افراد برای پیش‌بردن و تحقق استراتژی تحریم علیه ایران بود.

در راستای مرحله اول باید گفت که تعداد اعضای یهودی همکار در قوه مجریه در دوران کلینتون به یک رکورد بی‌سابقه در تاریخ آمریکا رسید. با وجود آنکه جمعیت یهودیان آمریکا در حدود ۲ درصد است ولی ۴۲ درصد مسؤولان دولت کلینتون را یهودیان تشکیل می‌دادند.^(۴۴) براساس آمار، ۴۵ یهودی جزو مسؤولان دولت کلینتون بوده‌اند. با وجود آنکه یهودیان ۲ درصد جمعیت آمریکا هستند، این تعداد بسیار بیشتر از نسبت موجود است. در این حالت باید نسبت به هر ۴۵ عضو یهودی کابینه ۲۲۵۰ فرد غیریهودی به عضویت کابینه

کلینتون منصوب می‌گردیدند تا نسبت ۲ به ۱۰۰ جمعیت یهودیان در کابینه رعایت گردد. بنابراین می‌توان دولت کلینتون را «دولت اقلیت» نیز شناخت. (۴۵)

نکته جالب اینکه در شورای امنیت ملی آمریکا در دوره کلینتون ۷ نفر از ۱۱ مدیر ارشد یهودی بودند و در حساس‌ترین مراکز تصمیم‌گیری امنیت و سیاست خارجی دولت آمریکا حضور داشتند. همچنین ۱۰ تن یهودی دیگر در کادر ارشد کارکنان کاخ سفید حضور داشتند. چهارتن از اعضای کابینه کلینتون یهودی بودند و از همه مهم‌تر رئیس سازمان سیا و رئیس پلیس فدرال آمریکا نیز یهودی بوده‌اند.

همچنین در دولت کلینتون، نفوذ یهودیان تا آنجا در سیاست خارجی دامنه‌دار و گسترده شد که یهودیان توانستند در ۲۴ کشور به مقام سفیری برسند. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌گردد که بدانیم یهودیان مقام سفیری را در کشورهای بسیار مهمی چون آلمان، فرانسه، آفریقای جنوبی، هند، مکزیک، کانادا، برزیل و سوئیس برعهده داشتند. همچنین سفیر آمریکا در آن زمان در کشورهای مسلمان مراکش، مصر و ترکیه نیز یهودی بودند. (۴۶)

گرداننده اصلی وزارت خارجه کلینتون، دستیار وزیر خارجه آمریکا «دنيس راس» بود که یک یهودی است و قبلاً در «مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک» همکاری می‌کرده است. این مؤسسه یک مؤسسه فکری است که ۲۳ سال قبل توسط «آپیک» تأسیس گردید و رئیس آن «مارتین ایندیک» بود که قبل از آن در «آپیک» فعالیت داشته و بعد از آن پیشنهاددهنده سیاست مهار دوجانبه علیه ایران بوده و بعد سفیر آمریکا در اسرائیل شد و تبدیل به اولین یهودی گردید که چنین سمتی را در اختیار می‌گیرد. (۴۷)

مارتین اندیک طراح سیاست مهار دوجانبه بعداً توسط کلینتون به عنوان مشاور کاخ سفید در امور خاورمیانه و عضو شورای امنیت ملی آمریکا منصوب گردید. (۴۸) همچنین «ریچارد هالبروک»، نماینده آمریکا در گفتگوهای صلح بوسنی نیز یک یهودی بوده است.

مرحله دوم فعالیت‌های یهودیان آمریکا در چارچوب رهیافت فن‌سالارانه، ایجاد فضا

و کسب حمایت از یهودیان دولت کلینتون و افراد مؤثر در سیاست خارجی در زمینه تحریم ایران بوده است. در این خصوص تصمیم‌سازان سطوح میانی قوه مجریه آمریکا توانستند فضای مناسبی برای اعمال تحریم علیه ایران به وجود آورند.

ب) اعمال نفوذ بر قوه مقننه

در قسمت گذشته به فعالیت‌های لابی یهودیان برای تأثیر بر قوه مجریه آمریکا برای تحقق استراتژی تحریم ایران پرداخته شد. در راستای فعالیت‌های لابی یهودیان برای تأثیر بر قوه مجریه، این گروه ذی‌نفع از تکنیک لابی مستقیم استفاده کرد. در چارچوب تکنیک لابی مستقیم، یهودیان از «رهیافت دسترسی به قدرت» استفاده کردند که با دو تاکتیک متفاوت اما مرتبط اجرا می‌گردید. فعالیت‌های لابی یهودیان برای تأثیر بر قوه مجریه در جهت تحقق استراتژی تحریم شرط لازم و نه کافی برای تحقق تحریم آمریکا علیه ایران به حساب می‌آمد. بخش دیگر و مهم‌تر فعالیت‌های لابی یهودیان آمریکا معطوف به قوه مقننه آمریکا بود. از آنجایی که طرح‌ها برای قانونی‌شدن باید در کنگره آمریکا شامل سنا و مجلس نمایندگان به تصویب برسند، تمرکز فعالیت‌های لابی یهودیان بر کنگره برای تصویب قانون تحریم ایران بسیار شدید بود. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گروه ذی‌نفع یهودیان آمریکا در جهت تحقق استراتژی تحریم ایران در قوه مقننه آمریکا از دو تکنیک «لابی مستقیم» و «لابی غیرمستقیم» استفاده کرد. در چارچوب لابی مستقیم از «رهیافت دسترسی به قدرت» و در چارچوب لابی غیرمستقیم از «رهیافت ایجاد ائتلاف» استفاده کرد.

۱. اتخاذ رهیافت دسترسی به قدرت از سوی یهودیان آمریکا^(۴۹)

تصمیم‌کننده آمریکا نسبت به تحریم ایران دارای اهمیت حیاتی در تحقق استراتژی تحریم یهودیان بود. بنابراین دسترسی به قدرت تصمیم‌سازی کنگره در قالب وظایف تقنینی در راستای اهداف یهودیان قرار گرفت.

در چارچوب «رهیافت دسترسی به قدرت» گروه ذی‌نفع یهودیان آمریکا تلاش کرد با ایجاد ارتباط با اعضای کلیدی، رؤسای سنا و مجلس نمایندگان، رؤسای کمیته و کمیته‌های فرعی به آنها در تصمیم‌سازی‌شان اثر گذارد و به تصویب لایحه تحریم ایران کمک کند. از سوی دیگر یهودیان با ارتباط تک‌تک نمایندگان و همچنین ایجاد فضای ضد ایرانی سعی در تغییر دیدگاه نمایندگان نسبت به ایران و تصویب لایحه تحریم ایران داشتند. نتیجه این فعالیت‌ها تصویب قانون تحریم ایران در مجلس نمایندگان و سنا بدون حتی یک رأی مخالف بود.

«آپیک» به‌عنوان مهم‌ترین لابی یهودیان در دهه ۱۹۹۰، بر ایران به عنوان تهدید عمده نسبت به صلح متمرکز شد.^(۵۰)

«آپیک» در اواخر سال ۱۹۹۴، جزوه‌ای را با نام «تحریم‌های جامع آمریکا علیه ایران؛ برنامه عمل» منتشر کرد. افزون‌بر این، کمیته مذکور تلاش‌های تأثیرگذار و اعمال نفوذ برای برقراری تحریم همه‌جانبه تجاری و کنارگذاشتن شرکت‌هایی را آغاز کرد که با ایران روابط تجاری دارند.

این تلاش‌های همه‌جانبه آپیک در جهت مهار کلی ایران با هدف تصویب قانون تحریم ایران در کنگره از سال ۱۹۹۵ بدین‌سو شتاب بسیار بالایی یافت. آپیک از یک‌سو با فشار بر اعضای کنگره و با استفاده از اعضای کلیدی، باید تحریم ایران را به پیش می‌برد و از سوی دیگر با ایجاد فضای مجازی و تبلیغات رسانه‌ای، ایران را به‌عنوان تهدیدی جدی برای منطقه، خاورمیانه و جهان معرفی می‌کرد.

در ۲۵ ژانویه سال ۱۹۹۵، داماتو که از حمایت قوی هواداران اسرائیل در حوزه انتخابیه خود برخوردار بود و همواره از سیاست‌های سخت تجاری در قبال ایران حمایت می‌کرد، «لایحه تحریم همه‌جانبه ایران» به شماره اس ۲۷۷ را به سنا تقدیم کرد.

پس از ادامه طرح داماتو برای تحریم ایران مخالفت‌هایی در کنگره صورت پذیرفت ولی این مخالفت هم با اعمال فشار و نفوذ لابی یهودیان به نتیجه نرسید. ازجمله این

مخالفت‌ها را می‌توان اظهارات «سناتور اسلید گوردون» دانست. وی در اظهارات خود طرح داماتو را راه‌حل ساده برای مشکل پیچیده دانست. وی همچنین اعلام کرد: این طرح همچنین بر جمعیت ایرانی مقیم آمریکا که نوزدهمین گروه نژادی آمریکا است آسیب می‌رساند در صورتی که ایرانیان در سطوح دانشگاهی، صنعت و تجارت به آمریکا خدمات بالایی ارائه داده‌اند.^(۵۱)

در همان زمان که طرح قانونی داماتو در دستور کار مجلس سنا قرار داشت و حامیان بیشتری را به خود جلب می‌کرد، «پتر کینگ»^۱ نماینده مجلس نمایندگان در ۲۳ فوریه ۱۹۹۵، طرح قانونی مشابهی را به مجلس نمایندگان تقدیم می‌کرد.^(۵۲)

در ۱۶ مارس ۱۹۹۵ در جلسه استماع مجلس سنا درباره لایحه قانونی داماتو، فشارهای لابی یهودیان برای پیش‌بردن لایحه تحریم ایران ادامه یافت. دکتر پاتریک کلاوسون، از اعضای لابی یهودیان در این جلسه استدلال کرد که این تحریم‌ها می‌تواند دست‌دم سالانه ده‌ها میلیون دلار برای ایران هزینه داشته باشد و موجب بی‌اعتمادی در سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران شود.^(۵۳)

همچنین «کنت تیمرمن»^۲ صاحب امتیاز ماهنامه «ایران بریف»^۳ و طرفدار سیاست اسرائیل در سخت‌تر کردن تحریم‌های ایران مدعو دیگری در جلسه استماع مجلس سنا بود. وی خواستار برقراری تحریم‌های جدید بنا به دلایل استراتژیک علیه ایران بود.^(۵۴)

در ۲۷ مارس ۱۹۹۵، آلفونسو داماتو با هدف کسب حمایت همه‌جانبه از تحریم ایران، با استفاده از مطالب مندرج در کتابچه آپیک با نام «تحریم‌های جامع آمریکا علیه ایران، برنامه عمل»، پیش‌نویس طرح دیگری با نام «لایحه تحریم‌های خارجی ایران»^۴ را به سنا تقدیم کرد. داماتو در معرفی طرح قانونی خود به همکارانش گفت که درست است که براساس لایحه تحریم‌های جامع علیه ایران، این کشور به‌طور کامل تحریم شده است اما نباید از تأثیر روابط

1. Peter King

2. Kenneth Timmerman

3. Iran Brief

4. Iran Foreign Sanction Act

تجاری با ایران غافل بمانیم. این طرح جدید، در صورت تصویب، هر شخص یا شرکت خارجی را که از طریق صادرات کالا یا فناوری به ایران وارد مناسبات بازرگانی شود، براساس تعاریف مندرج در قانون اداره صادرات مصوب سال ۱۹۷۹ تحریم می‌کند و به‌طور خلاصه یک شرکت یا شخص خارجی باید بین تجارت با آمریکا و تجارت با ایران یکی را انتخاب کند. (۵۵)

گرچه طرح قانون جدید داماتو که به سنا ارائه گردیده بود حوزه وسیعی را می‌پوشاند، اما طرح مشابهی از طرح «کینگ» نیز به مجلس نمایندگان عرضه شد که دامنه آن حتی وسیع‌تر از طرح داماتو بود و به موجب آن هر واحد خارجی که کالا یا خدمات نظامی یا اقلام با کاربرد دوگانه را در اختیار ایران قرار می‌داد و نیز طرف‌هایی را که از ایران نفت یا گاز می‌خریدند، از واردات کالا یا خدمات به آمریکا ممنوع می‌ساخت. (۵۶)

در حالی که برخی از اعضای مجلس سنا از سخت‌تر شدن تحریم ایران استقبال می‌کردند، آپیک در ۲ آوریل ۱۹۹۵ آشکارا از لویایح قانونی داماتو و کینگ حمایت و جزوه کمیته باعنوان «تحریم‌های جامع آمریکا علیه ایران؛ برنامه عمل» را که قبلاً آماده گردیده بود را میان نمایندگان توزیع کرد، به این امید که آمریکا هر کشوری را که با ایران تجارت نماید تحریم کند. برای جلب حمایت بیشتر کنگره در این طرح بیش از دو بار به نقل از «وارن کریستوفر» وزیر امور خارجه آمریکا آمده بود که ایران یک کشور یاغی است و در اقدامات شوم در سراسر خاورمیانه و جهان دست دارد. (۵۷)

«نیل ام. شر» مدیر اجرایی آپیک در معرفی کتابچه «تحریم‌های جامع آمریکا علیه ایران؛ برنامه عمل» اعلام کرد که لغو قرارداد شرکت کونوکو با ایران یک تحول مطلوب است اما کافی نیست و ما باید و می‌توانیم بیش از این اقدام کنیم.

در همین زمان در ۱۰ آوریل ۱۹۹۵، یک گروه ذی‌نفع یهودی با نام «مؤسسه یهودی امور امنیت ملی» قطعنامه‌ای در جهت اعمال تحریم علیه ایران را صادر کرد. در ۳۰ آوریل ۱۹۹۵ کلیتون تشدید تحریم‌ها علیه ایران را اعلام کرد. سپس در ۶ مه سال ۱۹۹۵، وی دستور

اجرای ۱۲۹۵۹ را مبنی بر قطع هرگونه فعالیت تجاری و سرمایه‌گذاری در ایران را صادر کرد. (۵۸)

در این زمان، آپیک و داماتو یک هدف را دنبال می‌کردند و آن عبارت بود از: ۱. منع کامل تجارت آمریکا با ایران؛ ۲. ایجاد مانع در برابر تجارت کشورهای ثالث و کمک مالی این کشورها به ایران؛ ۳. ممانعت از حمایت‌های مالی چندجانبه از ایران؛ به‌ویژه کمک‌های مالی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول. (۵۹)

در طرح ارائه‌شده یهودیان همچنین، فهرستی از شرکت‌های اروپایی و ژاپنی و شعبات این شرکت‌ها در آمریکا هدف قرار گرفتند و به‌ویژه تأکید شده بود که شرکتی را که جانشین شرکت کونوکو در معامله با ایران شده است، باید تحریم نمود. (۶۰)

در این زمان با تلاش‌های لابی یهودیان، فضای ضدایرانی در کنگره به اوج خود رسید و به دنبال آن در راستای کوشش‌های کنگره آمریکا در جهت ایجاد فضای ضدایرانی، در تاریخ ۳۰ مه ۱۹۹۵، دو هزار نماینده مجلس نمایندگان آمریکا با امضای نامه‌ای به رئیس جمهور کلینتون از وی خواستند با افزایش فشار بر علیه ایران، اهمیت شورای مقاومت ملی را در آینده دموکراسی در ایران به رسمیت بشناسد. (۶۱) در این نامه از رئیس جمهور خواسته شد با پیگیری سیاست‌های عملی به تحریم‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و دیپلماتیک علیه ایران دست زند.

در ۸ سپتامبر ۱۹۹۵، داماتو طرح قانونی شماره اس ۱۲۲۸ را به کمیته بانکداری سنا تقدیم کرد. داماتو به مناسبت معرفی طرح جدید خود در مجلس، توضیح داد که وی از طریق تقدیم این طرح می‌خواهد «ابزار مناسب» را در دست کلینتون قرار دهد که از آن برای جلب حمایت بین‌المللی از سیاست تحریم ایران استفاده کند. داماتو افزود: «متحدان ما باید بدانند، نفت رگ حیاتی ایران است». (۶۲)

طرح داماتو برای تحریم ایران زمانی به کنگره آمریکا ارائه گردید که این دیدگاه در کنگره شکل گرفته بود که سیاست‌های اروپا و روابط تجاری آمریکا با ایران نمی‌تواند ایران را

واقعاً مهار کند. با وجود آنکه در سال ۱۹۹۵، دولت کلینتون دستور اجرایی علیه ایران را صادر کرده بود، کنگره به دنبال تصویب قانون تحریم ایران بود. (۶۳)

در ۱۱ اکتبر ۱۹۹۵، «بنجامین گیلمن»^۱ رئیس کمیته روابط-بین‌المللی مجلس نمایندگان مشابه طرح قانونی داماتو را با شماره اچ. آر ۲۴۵۸ تقدیم مجلس نمایندگان کرد. گیلمن به مجلس نمایندگان گفت: تا زمانی که شرکت‌های تجاری ما با این کشور تروریست به‌طور معمول روابط تجاری دارند، تحریم‌های ما نمی‌تواند در درازمدت تغییر چندانی در سیاست‌های این کشورها ایجاد کند. (۶۴)

در ادامه سیاست‌های اسرائیل و یهودیان آمریکا برای اعمال فشار بر ایران و ایجاد فضای ضدایرانی، «شیمون پرز» نخست‌وزیر اسرائیل در جلسه مشترک با کنگره آمریکا در ۱۲ دسامبر ۱۹۹۵، بنیادگرایی اسلامی را به همراه بمب اتمی، کابوس عصر نامید و از آمریکا درخواست کرد به اسرائیل کمک کند تا دست شیاطین را کوتاه کند. (۶۵)

همچنین در ادامه این سیاست بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر جدید اسرائیل، در ۱۰ ژوئیه ۱۹۹۶ در جلسه مشترک با کنگره آمریکا، ایران را خطرناک‌ترین رژیم دانست و افزود: اگر ایران به بمب اتمی دست یابد، سرنوشت تلخی را باید انتظار کشید. این سرنوشت تلخ نه تنها برای اسرائیل و خاورمیانه بلکه برای بشریت خواهد بود. او از جامعه جهانی خواست با انزوای ایران، ایران را از دستیابی به بمب اتمی برحذر دارند. همچنین او از آمریکا خواست به عنوان رهبر جهان در مقابل ایران بایستد. (۶۶)

مشروح مذاکرات زمان تصویب قانون تحریم ایران و لیبی در ژوئن ۱۹۹۶ نشان می‌دهد جو ضدایرانی شدیدی در کنگره آمریکا وجود داشته است. در ادامه در ۲۱ مارس ۱۹۹۶ کمیته روابط بین‌المللی مجلس نمایندگان متن نهایی قانون تحریم‌های نفتی ایران به شماره اچ آر ۳۱۰۷ را بررسی کرد. (۶۷)

پس از ماه‌ها بحث و مذاکره میان مجلس نمایندگان، سنا و دولت کلینتون سرانجام

توافق عمومی درخصوص متن لایحه حاصل شد. «آرشر» رئیس کمیته گفت، که هر دو حزب و دولت درباره متن لایحه به توافق رسیده‌اند. (۶۸)

براساس این گزارش تحریم آمریکا می‌تواند ضمن جلوگیری ایران از دستیابی به فناوری و سرمایه، شرکت‌های بزرگ نفتی را از همکاری با ایران باز دارد. (۶۹) در این زمان فشار لابی یهودیان بر کنگره برای پیش بردن لایحه تحریم ایران بیش از هر زمان دیگر بود و لابی رأساً به مذاکره و چانه‌زنی با کنگره پرداخت. براساس گزارش‌ها، زمانی که کمیسیون امور مالی (راه‌ها و طریقه‌ها) کنگره آمریکا به بحث در مورد لایحه تحریم علیه ایران پرداخت، تنها یک گروه خارج از کنگره بر سر میز مذاکره نشسته بودند، که آنها «آپیک» یا گروه فشار آمریکا، اسرائیل بود. (۷۰)

در ادامه تلاش‌های آپیک به شکل‌دهی لایحه مشابهی در جهت مبارزه با تروریسم ایران و تصویب در سنای آمریکا به اتفاق آرا کمک نمود. براساس گزارش وال استریت جورنال، آپیک تهدیدهایی نیز علیه شرکت‌هایی که در پی سرمایه‌گذاری در ایران بودند، ابراز داشته و حتی از طریق شبکه اینترنت اطلاعات نامساعد علیه ایران پخش نموده است. (۷۱)

همچنین در ادامه تلاش‌های لابی یهودیان در این زمینه، «نیل ام شر» مدیر اجرایی آپیک در «کمیته فرعی عملیات خارجی، مالیه صادرات و برنامه‌های مرتبط»^۱ در ۲۵ آوریل ۱۹۹۶ اظهار داشت: من به اهمیت این کمیته فرعی در روابط آمریکا و اسرائیل واقفم. آپیک به اهمیت روابط آمریکا و اسرائیل اعتقاد کامل دارد و از کمک‌های مالی آمریکا به اسرائیل به‌طور کامل حمایت می‌کند. آپیک برای ارتقای روابط بین آمریکا و اسرائیل تلاش دائم دارد. در کمیته اجرایی آپیک رؤسای ۵۲ سازمان عمده یهودی آمریکا حضور دارند که نمایندگی ۴/۵ میلیون فرد فعال را در آمریکا برعهده دارند. همچنین رهبران انجمن‌های طرفدار اسرائیل پنجاه ایالت آمریکا نیز در جمع ما حاضرند. آپیک در کنگره نماینده ویژه‌ای از جانب جامعه

1. Subcommittee on Foreign Operations, Export Financing and Related Programs.

یهودیان آمریکا منصوب کرده است که در موضوعات مرتبط با روابط آمریکا و اسرائیل فعالیت می‌کنند.^(۷۲)

«شر» در ادامه گفت: ایران تهدید عمده‌ای نسبت به آمریکا و اسرائیل است. ایران به عنوان یک رژیم یاغی^۱ در گسترش سلاح‌های کشتار جمعی نقش دارد. ایران در جستجوی دستیابی به سلاح‌های بیولوژیکی و شیمیایی است. ایران بر اساس فهرست وزارت خارجه آمریکا یکی از «کشورهای مسؤول عملیات تروریستی»^۲ است و می‌تواند فرایند صلح خاورمیانه را مخدوش کند.^(۷۳)

همچنین روزنامه وال استریت جورنال نیز گزارش داد که اعضای «آپیک» به هنگام بحث درباره این لایحه حضور داشتند و هنگامی که دو کمیته مجلس (یعنی کمیته روابط بین‌المللی و کمیته روش‌ها و ابزارها) درخصوص متن لایحه اختلاف نظر پیدا می‌کردند، «آپیک» نقش میانجی را میان این دو کمیته ایفا می‌کرد تا اختلاف آنها را حل و فصل کند.^(۷۴) کمیته روش‌ها و ابزارها در مجلس نمایندگان، متن لایحه را در تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۹۶ تنظیم کرد.^(۷۵) یک هفته قبل از این که متن لایحه در کمیته به توافق اعضا برسد، گزارش شده بود که «آپیک» هنوز اجماع عمومی را تأیید نکرده است.^(۷۶)

«مایکل لویود»^۳ در نشریه تجارت آمریکا نوشت: کنگره باید از کمیته مذکور که رابط اصلی اسرائیل است تشکر کند که اجازه داد کمیته‌های مختلف کنگره و مجلس نمایندگان سرانجام درباره متن واحدی به توافق برسند. این توافق زمانی حاصل شد که «آپیک» از درخواست خود برای گنجانیدن عبارتی مبنی بر تحریم بانک‌های خارجی که از سرمایه‌گذاری در ایران حمایت می‌کنند، دست برداشت.^(۷۷)

سناتور آلفونسو داماتو جمهوری‌خواه از ایالت نیویورک در ادامه با فشارهای خود برای تصویب قانون تحریم ایران در برابر کمیته روابط بین‌الملل مجلس نمایندگان اظهار

داشت: دنیا باید بداند ایران و لیبی مسؤولان اصلی تروریسم در دنیا هستند. هر تجارت و سرمایه‌گذاری در صنعت نفت این دو کشور، تهدید مستقیمی به امنیت ملی آمریکا است. (۷۸)

سرانجام پس از تلاش‌های شدید لابی یهودیان آمریکا، قانون تحریم ایران و لیبی در ۱۹ ژوئن ۱۹۹۶ در مجلس نمایندگان با ۴۱۵ رأی موافق و بدون مخالفت به تصویب رسید. سپس در ۲۶ ژوئن ۱۹۹۶ این مصوبه بدون مخالف در سنای آمریکا به تصویب رسید و سرانجام کلینتون در ۵ اوت ۱۹۹۶ این قانون را امضا کرد.

آپیک در تمامی مراحل تصویب طرح داماتو در جریان آن قرار داشت. یک سخنگوی «آپیک» اظهار داشت که اعضای کنگره مطالب خود درباره قانون تحریم ایران را جمله به جمله به ما نوشتند. (۷۹)

بیشتر تحلیل‌های موجود در ارتباط با تصویب این قانون، دلالت بر نفوذ بیش از حد گروه‌های نفوذ (فشار) صهیونیستی در کنگره آمریکا داشت. (۸۰) جاناناتان یاکویز تحلیل‌گر آمریکا نیز در مقاله‌ای در مجله «علم سیاست»^۱ نوشت: فشاری که از سوی «آپیک» به کنگره وارد شد، موجب گردید که قانون تحریم ایران در کنگره با سرعت تصویب گردد. (۸۱)

«اریک ریش» نیز در مقاله‌ای در این زمینه نوشت: آپیک یا انجام یک لابی بسیار قدرتمند در تصویب قانون تحریم ایران نقش کلیدی داشت. (۸۲) «کالین مک‌کینون» نیز در مقاله‌ای تصریح کرد که قانون تحریم ایران توسط لابی یهودیان طراحی و سپس در کنگره تصویب گردیده است. (۸۳)

پس از تصویب قانون تحریم ایران و لیبی، آپیک با تحسین از تصویب قانون اعلام کرد که این قانون نشان می‌دهد آمریکا مایل نیست زمانی که رژیم‌های یاغی آمریکا و متحدانش را تهدید می‌کنند، بیکار به نظاره بنشینند. (۸۴)

۲. اتخاذ رهیافت ایجاد ائتلاف از سوی یهودیان آمریکا

برخلاف لابی مستقیم که در آن لابیست‌ها سعی می‌کنند شخصاً به قانون‌گذاران و مجریان نزدیک شده و ارتباط بلاواسطه‌ای برای اعمال نفوذ بر تصمیمات آنها برقرار کنند، در لابی غیرمستقیم گروه‌های ذی‌نفع به روش‌های واسطه‌ای و غیرمستقیم سعی می‌کنند بر تصمیم‌های تصمیم‌سازان اعمال نفوذ کنند.

یکی از این روش‌ها که در چارچوب لابی غیرمستقیم همچنین در فرایندهای انتخاباتی نیز اجرا می‌گردد، ورود گروه‌های ذی‌نفع به فرایندهای انتخاباتی است. ورود هر گروه ذی‌نفع به این فرایندها برای شکل‌دادن به فضای انتخاباتی موردنظر و انتخاب فرد یا افراد مطلوب گروه‌های ذی‌نفع یا لابی‌ها می‌باشد.

«رهیافت ایجاد ائتلاف»^۱ رهیافتی است که در چارچوب‌های لابی غیرمستقیم قرار می‌گیرد. در قالب این رهیافت، گروه‌های ذی‌نفع سعی می‌کنند با بازیگران بالقوه و بالفعلی که توانایی اثربخشی در فرایند تصمیم‌سازی‌ها را دارا هستند، مؤتلف گردند.^(۸۵)

یک بخش بسیار مهم در این رهیافت تلاش برای ائتلاف‌سازی با بازیگر یا بازیگرانی است که بعداً در موقعیت‌های مناسب توانایی نقش‌آفرینی و تصمیم‌سازی کلیدی را دارا خواهند بود.

«رهیافت ایجاد ائتلاف» می‌تواند در جریان فرایندهای انتخاباتی مورد استفاده گروه‌های ذی‌نفع قرار گیرد. گروه‌های ذی‌نفع در چارچوب این رهیافت با سرمایه‌گذاری‌های مادی و معنوی بر روی افراد مهم یا بالقوه مهم، به آنها در جهت اهداف آینده خود یاری می‌رسانند.

پیش از هر انتخابات مهم، گروه‌های ذی‌نفع با شناسایی فرد یا افراد موردنظر خود که می‌توانند پس از انتخاب‌شدن در جهت منافع گروه، اقدامات و فعالیت‌های مهمی را صورت دهند و در رأی‌گیری‌ها از آنان حمایت کنند، وارد مذاکره می‌شوند. پس از توافقات اولیه، گروه

ذی‌نفع از فرد یا افراد موردنظر در حوزه‌های انتخابیه متفاوت حمایت می‌کند و امکانات مادی و معنوی خود را در اختیار آنها قرار می‌دهد.

پس از پایان هر انتخابات، در صورت پذیرفته‌شدن نامزد موردنظر هر گروه، آن نامزد سعی می‌کند در فرایندهای تقنینی و اجرایی به منافع گروه ذی‌نفع حمایت‌کننده، کمک کند. ارائه امکانات مالی توسط گروه‌های ذی‌نفع برای نامزدها، تابع قوانین هر کشور می‌باشد. برای مثال در آمریکا، گروه‌های ذی‌نفع خود مستقیماً نمی‌توانند به نامزد کمک کنند، بلکه باید از طریق نهادهای واسطی به نام کمیته‌های کنش سیاسی^۱ این کمک‌ها صورت گیرد. بنابراین براساس قانون، این گروه‌ها می‌توانند کمیته‌های کنش سیاسی را تشکیل دهند.

کمیته کنش سیاسی کمیته‌ای است که توسط یک شرکت، اتحادیه یا یک گروه ذی‌نفع راه‌اندازی شده و نمایندگی آن را برعهده دارد. این کمیته مسئولیت جمع‌آوری و ارائه «کمک‌های انتخاباتی» را به نیابت از گروهی که نمایندگی آن را برعهده دارد، انجام می‌دهد.^(۸۶) فعالیت کمیته‌های کنش سیاسی در آمریکا، براساس «قانون مبارزات انتخاباتی فدرال مربوط به سال ۱۹۷۴» و «اصلاحیه سال ۱۹۷۶» صورت می‌گیرد. بر این اساس شرکت‌ها، اتحادیه‌های کارگری و گروه‌های ذی‌نفع اجازه یافتند تا این کمیته‌ها را برای جمع‌آوری منابع مالی و پرداخت آن به گروه‌ها، تأسیس کنند.^(۸۷) در گذشته، کمک‌های یهودیان در انتخابات کنگره کمتر سازمان‌دهی شده و هدفمند بودند در حالی که امروزه باتوجه به شکل‌گیری کمیته‌های کنش سیاسی این موضوع کاملاً تغییر یافته است.

اولین کمیته کنش سیاسی یهودیان آمریکا در سال ۱۹۷۸ تأسیس شد. اما این کمیته‌ها تا سال ۱۹۸۲ فعالیت کمی داشتند. در این سال ۳۳ کمیته کنش سیاسی یهودیان در انتخابات فعال بودند. در سال ۱۹۸۴ تعداد این کمیته‌ها به ۷۰ رسید. در حال حاضر در حدود ۱۲۸ کمیته کنش سیاسی طرفدار اسرائیل با بودجه حدود ۱۲ میلیون دلار فعال هستند.^(۸۸)

آپیک، مقتدرترین لایه یهودیان، به طور رسمی کاندیدایی را معرفی نمی‌کند بلکه برای رأی‌دهندگان برنامه‌های نامزدها را ارائه می‌دهد. در طی مبارزات انتخاباتی سال ۱۹۸۶، حدود ۸۰ کمیته کنش سیاسی یهودیان، حدود ۷ میلیون دلار به کاندیداها کمک کردند. یک یادداشت که از سوی آپیک ارائه شده و توسط روزنامه واشنگتن‌پست افشا گردید، نشان می‌دهد که این کمیته‌ها می‌بایستی به پنج نامزد مشخص سنا، کمک‌های ویژه‌ای را برای انتخاب مجدد ارائه دهند. (۸۹)

بنابراین در راستای هدف یهودیان آمریکا برای فضاسازی جریان‌های موردنظر در مجلس نمایندگان و سنا، یهودیان آمریکا «رهیافت ایجاد ائتلاف» را اتخاذ کردند. در چارچوب این رهیافت، یهودیان تلاش نمودند با استفاده از شیوه‌های متفاوت به یارگیری در صحنه سیاسی پردازند و عناصری که احتمال می‌رود در آینده در تصمیم‌سازی‌ها نقش‌های کلیدی داشته باشند را به خود نزدیک کنند.

در انتخابات ۱۹۹۶ کنگره آمریکا نیز گروه ذی‌نفع یهودیان در «چارچوب رهیافت ایجاد ائتلاف» سعی کردند با وارد کردن کمیته‌های کنش سیاسی خود در فرایند انتخابات به شمار زیادی از نامزدهای مجلس نمایندگان و سنا کمک مالی کنند.

این کمک‌های مالی با این هدف عمده انجام می‌شد که پس از شکل‌گیری کنگره جدید این نمایندگان در تصمیم‌گیری‌ها به ویژه تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز مرتبط با منافع اسرائیل و یهودیان با آرای خود از آنها حمایت کنند. یکی از این تصمیم‌گیری‌ها، موضوع لایحه تحریم ایران بود که در چارچوب استراتژی تحریم ایران از سوی یهودیان ارائه می‌گردید. تصویب بدون مخالف قانون تحریم ایران در مجلس نمایندگان و سنا نشانگر موفقیت برنامه‌ریزی‌های یهودیان می‌تواند قلمداد گردد. این موفقیت را می‌توان به دو عامل عمده: اول، کمک‌های مالی و نفوذ یهودیان بر کنگره و دوم، عدم محبوبیت ایران در آمریکا؛ به این معنی که مخالفت با ایران برای هیچ‌کس در آمریکا هزینه‌ای در بر ندارد، نسبت داد. (۹۰)

مجموعه هزینه‌های کمیته‌های کنش سیاسی (پک‌های) طرفدار اسرائیل در انتخابات

سال ۱۹۹۶ به ۳ میلیون و ۸۵۷ هزار و ۱۸۴ دلار رسید. براساس گزارش «کمیسیون فدرال انتخابات»^{۹۱} که تمامی کمک‌های کمیته‌های کنش سیاسی باید به آنها گزارش گردد، از این مقدار مبلغ یک میلیون و ۱۳۷ هزار و ۳۴ دلار به ۲۰۳ نامزد انتخابات کنگره داده شده است. از این ۲۰۳ نفر، ۱۱۶ دموکرات و ۱۸۷ نفر جمهوری خواه بوده‌اند. همچنین مبلغ ۲ میلیون و ۵۰۴ هزار و ۱۵۰ دلار نیز توسط یک‌ها به کمیته‌های حزبی پرداخت گردید تا در انتخابات معرفی گردد.^(۹۱) میزان مبالغ پرداخت شده بیانگر تلاش شدید لابی یهودیان برای کسب حامی در کنگره است.

کمیته‌های کنش سیاسی طرفدار اسرائیل توسط اعضای برجسته «آپیک» در ایالت‌های محل تولدشان تشکیل شده‌اند. باوجود آنکه معمولاً هر گروه ذی‌نفوذ دارای یک، دو یا سه کمیته کنش سیاسی است ولی آپیک و گروه‌های طرفدار آن، ۱۲۸ کمیته کنش سیاسی طرفدار خود را به وجود آورده‌اند.

براساس قانون انتخابات آمریکا هر فرد تنها می‌تواند ۲۰۰۰ دلار و هر «پک» نیز ۱۰۰۰۰ دلار به یک نامزد کمک کند. حال باوجود این تعداد کمیته کنش سیاسی طرفدار اسرائیل، این گروه‌ها توانایی بسیار بالایی در کمک به نامزدهای موردنظر دارند.

همچنین براساس آمار دیگر تا مارس ۱۹۹۶، یعنی حدود ۷ ماه قبل از انتخابات ۱۹۹۶ میلادی، ۶۱ کمیته کنش سیاسی طرفدار اسرائیل توانستند ۴ میلیون و ۳۱۱ هزار و ۵۶۴ دلار برای انتخابات جمع‌آوری کرده و مبلغ ۱ میلیون و ۴۲ هزار و ۶۸۶ دلار به نامزدها کمک کنند. از این مبلغ، ۵۲۲ هزار و ۴۳۷ دلار برای ۸۹ نامزد دموکرات و ۴۹۰ هزار و ۲۴۹ دلار برای ۸۱ نامزد جمهوری خواه هزینه شده است.^(۹۲)

لابی‌های طرفدار اسرائیل نگران آن هستند که اصلاحات مرتبط با کمک‌های انتخاباتی موجب تضعیف موفقیت آنها در رأی‌گیری‌های کنگره آمریکا در موضوعات مرتبط با اسرائیل و خاورمیانه گردد. بنابراین کمیته‌های کنش سیاسی طرفدار اسرائیل برای آنکه میزان

کمک‌های آنها به نامزدها مشخص نشود، کمک‌های خود را به صورت مجموعه چک‌های کمتر از ۲۵۰ دلار به نامزدها ارائه می‌کنند. از آنجایی که براساس قانون کمک‌های ملی، احراز هویت پرداخت‌کنندگان کمک‌های کمتر از ۲۵۰ دلار الزامی نیست از این‌رو، میزان کمک کمیته‌های کنش سیاسی طرفدار اسرائیل به نامزدها نامشخص می‌ماند و «کمیسیون فدرال انتخابات»^۱ آنها را شناسایی نمی‌کند.^(۹۳)

نامزدها نیز می‌دانند که این مجموعه کمک‌ها از سوی لابی اسرائیل است و آنها باید بعداً برای آپیک رأی دهند.^(۹۴)

تلاش‌های مالی یهودیان آمریکا برای جذب نامزدهای کنگره آمریکا در سال ۱۹۹۶ شرایطی را پدید آورد که در موضوعات مهم یهودیان مطرح شده در کنگره، نتوانستند به خواست‌های خود دست یابند.

«هوارد کور»^۲ رئیس اجرایی آپیک با ابراز خوشحالی از نتایج انتخابات ۱۹۹۶ کنگره آمریکا اعلام کرد: «آپیک» تنها سازمانی بود که با تمام اعضای جدید کنگره ملاقات داشته است. همچنین «آپیک» توانسته است حمایت ۹۰ درصد اعضای جدید کنگره را برای پشتیبانی از مواضع اسرائیل در موضوعات کلیدی جلب کند.

۱۵ سناتور جدید انتخابات ۱۹۹۶، حمایت خود را از ادامه کمک‌های مالی به اسرائیل اعلام کردند و ۱۳ تن از این ۱۵ سناتور جدید، حمایت ویژه خود را از بیت‌المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل در چارچوب «طرح انتقال سفارت آمریکا به اسرائیل»^۳ اعلام کردند. «سم برون بک»^۴ و «گوردون اسمیت»^۵ دو سناتور جدید نیز با انتشار بیانیه‌ای حمایت خود را از رابطه اسرائیل و آمریکا اعلام کردند. این دو عضو کمیته روابط خارجی آمریکا می‌باشند.^(۹۵)

در این زمینه یکی از مهم‌ترین برنامه‌های آینده کاری «آپیک»، آموزش اعضای کنگره

1. The Federal Election Commission

2. Howard Kohr

3. The Embassy Relocation Act

4. Sam Brownback

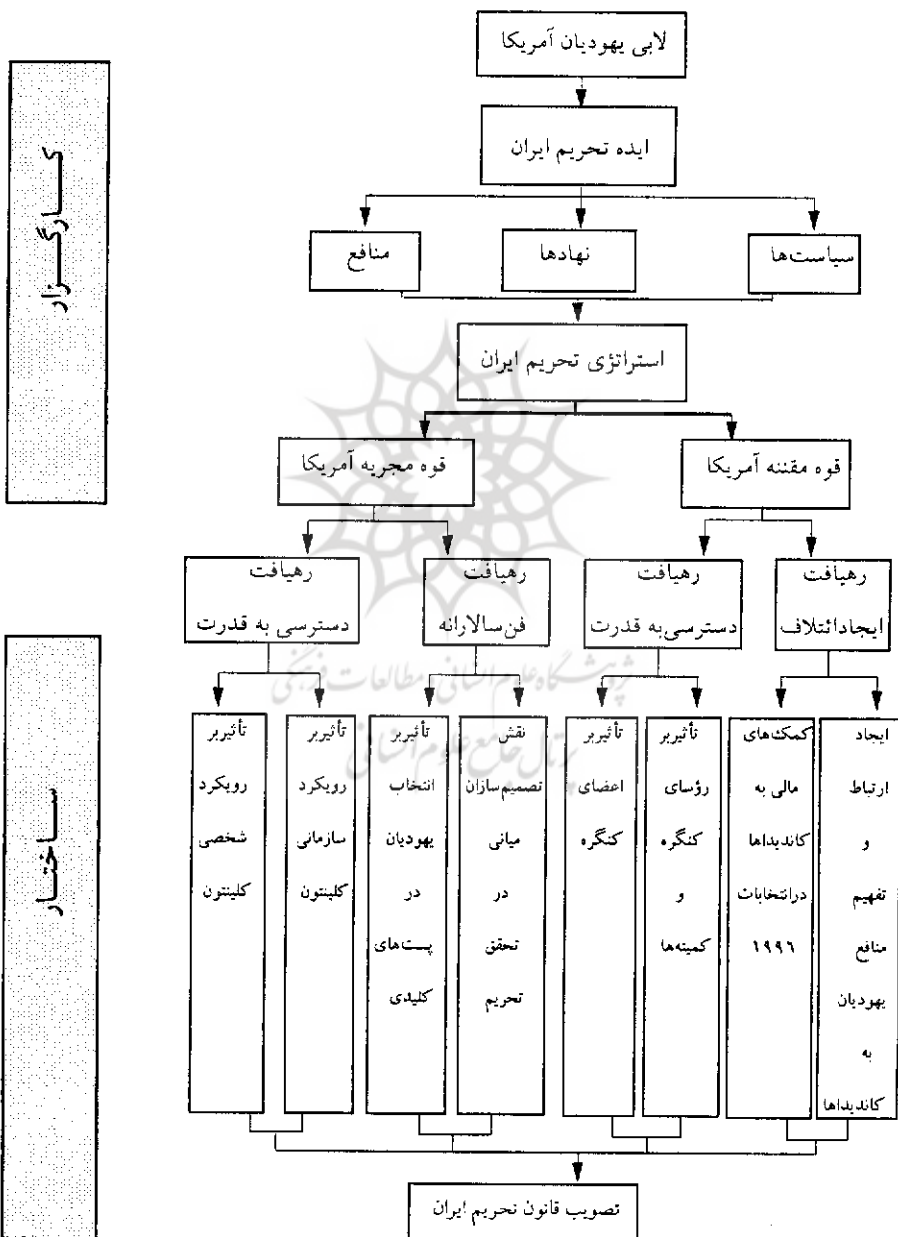
5. Gordon Smith

درباره اهمیت روابط آمریکا و اسرائیل است. در این چارچوب، «آپیک» برنامه‌ریزی کرده است تا فعالان خود را به جوامع کوچک و بزرگ ۵۰ ایالت آمریکا گسیل کند تا آنها را در زمینه اهمیت رابطه آمریکا و اسرائیل توجیه کنند. همچنین «آپیک» برنامه‌ریزی کرده است تمامی اعضای جدید مجلس نمایندگان و سنای آمریکا را درباره اهمیت این رابطه آموزش دهد.^(۹۶)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار کلی کنش‌های لابی یهودیان (کارگزار) برای تأثیر بر سیاست خارجی آمریکا (ساختار) برای تحقق استراتژی تحریم ایران و تصویب قانون تحریم ایران



کارگزار

ساختار

نتیجه‌گیری

در سیاست خارجی آمریکا، متغیرهای متفاوتی نقش‌آفرینند و سعی دارند با وارد ساختن ورودی‌های مطلوب خود به فرایند سیاست خارجی این کشور، خروجی‌های مطلوب خود را تحصیل نمایند. یکی از این متغیرهای مهم، گروه‌های ذی‌نفوذ یا لابی‌هایی هستند که در جهت تحقق اهداف خود، دستور کارهای مشخصی را تعریف کرده و فعالانه سعی می‌نمایند بر مسؤولان سیاست خارجی و فرایند سیاست خارجی آمریکا اعمال نفوذ کنند.

یکی از این گروه‌های ذی‌نفوذ پر قدرت، لابی یهودیان آمریکا است که به دلیل قدرت، کارایی و توانایی اعمال نفوذ بر مسؤولان و سیاست‌های آنها، دارای آوازه بلندی در آمریکا می‌باشد. لابی یهودیان آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با تمام قوا سعی کرده است بر تصمیمات آمریکا درباره ایران اعمال نفوذ کرده و منافع یهودیان و اسرائیل را تأمین نماید. باتوجه به آنکه یکی از سیاست‌های عمده آمریکا پس از انقلاب اسلامی سیاست تحریم ایران بوده است، لابی یهودیان آمریکا در شکل‌دهی و تقویت این سیاست، همواره دارای نقش بوده است.

لابی یهودیان آمریکا در ابتدای دهه ۱۹۹۰، ایده تحریم ایران را تبدیل به استراتژی تحریم ایران نمود و تلاش نمود که تحریم ایران را تبدیل به اولویت سیاست خارجی آمریکا نماید. برای آنکه ایده تحریم لابی یهودیان آمریکا تبدیل به استراتژی تحریم گردد، در چارچوب نهادها، سیاست‌ها و منافع لابی یهودیان، طرح و محقق گردید. سپس لابی یهودیان آمریکا برای تحقق استراتژی تحریم ایران با به کارگیری رهیافت دسترسی به قدرت و رهیافت فن‌سالارانه سعی در اعمال نفوذ بر قوه مجریه آمریکا و به کارگیری رهیافت‌های دسترسی به قدرت و ایجاد ائتلاف، سعی در اعمال نفوذ بر قوه مقننه آمریکا برای تصویب قانون تحریم ایران نمود که پیامد آن تصویب قانون تحریم ایران در سال ۱۹۹۶ بود.

1. V. O. Key, JR, *Politics, Parties and Pressure Groups*, (New York: Thomas Crowell Company, 1952), p. 149.
2. Jack C. Plano, Milton Greenberg, *The American Political Dictionary*, (Orlando: Rinehart and Winston, Inc, 2002), p. 90.
3. *Ibid.*, p. 90.
4. Georg C. Edwards, Martin P. Wattenberg, Robert L. Lineberry, *Government in America, People, Politics and Party*, (New York: Longman, 1999), p. 268.
5. Eric M. Uslaner, All Politics are Global: Interest Group and the Making of Foreign Policy in, A. Cigler, G. Loomis, *The Interest Group Politics (Washington D.C: CQ Press)*, 1989), p.374.
6. www.aipac.org/documents
7. www.aipac.org/Iran
8. www.aipac.org/documents
9. *Ibid.*
10. Thomas W. Lippman, Pro-Israel Lobby Pushes Strict Commerce Ban, *Washington Post*, www.payk.net
11. Clinton's Executive Order on Iran: Taking it From AIPAC and A1 Gore, Colin Mackinnon, *Washington Report on Middle East Affairs*, July, August 1995, www.Washington-report.org
12. *Ibid.*
13. Jason Hernandez, *United States Foreign Policy Toward Iran: too many sticks, Not enough Carrots*, 1996, www.Hernandez-Jason.com/Iran.itm

14. Marvin Zonis, Speech Presented in Conference in Texas: Iran in Transition, July 1996, Reported by: Dokhi Fassibian, www.Washington-report.org
15. Professor Harold Feiveson, An Analysis of U.S Efforts, Prevent Investment in Iran, *Energy Policy*, June, 1996.
16. Raymond Tanter, Rouge Regimes: Terrorism and Proliferation, Quoted in: Hossein Alikhani, *The Power of the Lobby: Aipac and U.S Sanctions Against Iran*, Global Dialogue, Summer 2000.
17. Ian Williams, AIPAC's 1993 Convention: Scuffling on the Bridge, www.washington-report.org
18. *Ibid.*
19. Chung-In Moon, Complete Interdependence and Transnational Lobbying: South Korea in the United States, *International Studies Quarterly*, Volume 32, Number 1, March 1988.
20. President Clinton, Joint Press conference with Prime Minister Netanyahu, Washington, 13 Feb. 1997, www.MFA.IS
21. Netanyahu, Joint Press Conference with President Clinton, Washington, 13 Feb. 1997, www.MFA.IS
22. Lucille Barnes, Friends of Israel Content with Clinton, Wary of Dole, Powell, *Washington Report on Middle East Affairs*, Feb/Mar. 1996.
23. Lucille Barnes, *Op. Cit.*
24. Noam Chomsky, *The Current Crises in the Middle East: What Can we do?*, Massachusetts Institutes of Technology, 14 Dec. 2000, www.media.mit.edu/
25. www.fas.org
26. Arthur L. Shchecter, President Clinton, The Best President the American Jewish Community has ever Known, www.jewwatch.com

27. *Ibid.*

28. Eric Margolis, Israel and Iran: The Best of Enemies, www.twf.ogr

29. Nathan Jones, Clinton, Peres, Open AIPAC 1996 Convention, *Washington Report on Middle East Affairs*, May/June 1996.

30. *Ibid.*

31. Shimon Peres, *Press Conference with President Clinton*, Jerusalem, 20 March 1996, www.MFA.IS

32. President Clinton, Press Conference with Shimon Peres, *Jerusalem*, 14 March 1996, www.MFA.IS

33. Nathan Jones, Clinton, Peres, Open AIPAC 1996 Convention, *Washington Report on Middle East Affairs*, May/July 1996.

۳۴. گروه فشار یهودی در آمریکا، *فصلنامه خاورمیانه*، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۴، ص ۵۴.

۳۵. حسین علیخانی، *تحریم ایران، شکست یک سیاست*، ترجمه: محمد متقی نژاد (تهران: دفتر مطالعات

سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۰)، ص ۱۷۸.

36. Dr. Wm. Millward, *Containing Iran, Commentary*, A Canadian Security Service Publication, No. 63, Nov. 1995.

37. *Ibid.*

38. Herman Franssen, Elaine Morton, A Review of US Unilateral Sanctions Against Iran, *The Middle East Economist Survey*, No. 34, 26 August 2002.

۳۹. حسین علیخانی، *پیشین*، ص ۱۷۹.

See also: Hossein Alikhani: The Power of the Lobby: Aipac and U.S Sanctions Against Iran,

Op. Cit.

۴۰. حسین علیخانی، *پیشین*، صص ۱۸۰ و ۱۷۹.

See also: Hossein Alikhani, The Power of the Lobby: AIPAC and U.S Sanctions Against Iran, *Global Dialogue*, Vol. 2, Number 3, Summer 2000.

41. Wm. Millward, Containing Iran, *Commentary*, No. 63, Nov. 1995.

See also: Colin Mackinon, Clinton's Executive Order on Iran: Taking it from AIPAC and Al Gore, July/August 1995, www.Washington-report.org

42. Clinton Report to Congress on Iran National Emergency, Sept. 13, 1996, White House Publication.

درخصوص توجیهات قانونی برای صدور دستور اجرایی تحریم علیه ایران و دیگر کشورها از سوی رئیس جمهور آمریکا به منبع زیر رجوع کنید:

R, Richard Newcomb, Congressional Hearings, June 20, 1997, www.globalsecurity.org

43. Chung- In Moon, *Op. Cit.*, p. 68.

44. Clinton's Overwehwhelmingly Jewish Government, www.Jewwatch.com

45. *Ibid.*

46. Jewish Occupied Governments: United States, Jewish U. S Ambassadors, www.jewwatch.com

47. Lucille Barnes, Freinds of Israel Content with Clinton, Wary of Dole, Powell, *Washington Report on Middle East Affairs*, Feb/March. 1996.

48. Millward, *Op. Cit.*

49. Arthur L.Shcechter, Jewish Herald Voice, *Op. Cit.*

50. Raymond Tanter, *Puzzle*, 26 June 1998, www.Hosey.com

51. Senator Slade Gordon, Senate Bill S.277, www.Payk.net

۵۴. همان.

۵۵. همان، ص ۱۷۴.

۵۶. همان، ص ۱۷۶.

۵۷. همان.

۵۸. همان، ص ۱۷۹.

۵۹. همان.

۶۰. همان.

61. Rick Marshal, Congressman urge Clinton to Increase Pressure on Iran, 3 June, 1995.

www.fas.org/news/iran

۶۲. علیخانی، پیشین، ص ۲۰۹.

63. Kenneth Katzman, U.S Congress and Iran: 1979-99. www.mideasti.org

۶۴. علیخانی، پیشین، ص ۲۱۴.

65. Address by Pime Minister Peres to a Joint Session of U.S. Congress, 12 Dec, 1995,

www.MFA.IS

66. Address by Prime Minister Netanyahu to a Joint Session of U.S Congress, 10 July, 1996,

www.MFA.IS

۶۷. علیخانی، پیشین، ص ۲۲۱.

۶۸. همان، ص ۲۳۰.

69. Eliyahu Knowsky, Iran's Fragile Economy: Problems and Prospects, May 22, 1996, The Washington Institute for Near East Policy.

۷۰. فریده فرهی، شناخت تحریم آمریکا علیه ایران: مجله سیاست خارجی، بهار ۱۳۷۶، ص ۵۵ به نقل از:

Robert Greenberge, Laurie lande, *Wall Street Journal*, 18 June 1996.

۷۱. همان.

72. Neal M. Sher, 25 April 1996, www.fas.org

73. Neal M. Sher, *Ibid.*

۷۴. علیخانی، پیشین، ص ۲۳۱.

۷۵. همان، ص ۲۳۰.

۷۶. همان، ص ۲۳۱.

۷۷. همان، ص ۲۳۱.

78. Joanne L.Nix, Iran Oil Sanction Act of 1996 Advances Through Congress,

www.fas.org/news/iran/1996

79. These Guys (Congress) Wrote their Thing (ILSA) with Us Sentence by Sentence.

- Michael S.Levyved, Iran Sanction Bill a Step Closer to Wining Approval, Journal of Commerce, 7 June 1996.

۸۰. سعید نائب، قانون داماتو، ایران یا اروپا؟، مجله سیاست خارجی، بهار ۱۳۷۶، ص ۳۰، به نقل از:

Martin Sieff, *The Washington Times*, 13 August, 1996.

81. Jonathan Jacobs, *Op. Cit.*

82. Eric Reicher, An Analysis of US Efforts to Prevent Investment in Iran 4 Jan, 1999,

www.Princeton.edu

83. Colin Mackinon, Adminstration in Hot Seat Thanks to AIPAC Drafted Iran-Libya Sanction Act, *Middle East Executive Reports*, 1991, www.WERMA.org

See also: Kenneth, The US Congress and Iran: 20 Years After the Revolution, The Middle East Institute, 2001.

84. Rachelle Marshall, The U.S Israeli. War on terrorism could Breed More Violence,

www.Washington.report.org/backissues/

85. See, Chung-In Moon, *Op. Cit.*, p. 70.

لابی یهودیان آمریکا، کارگزار تحریم ایران ✨ ۸۳

86. The Federal Election Campaign Act of 1974.

87. *Ibid.*

88. Evan Greenberg, *Op. Cit.*

89. Glenn P. Hastedt, *Op. Cit.*, p. 81.

90. Colin Makinon, *Washington Report on Middle East Affairs*, April 1996.

91. Richard H. Curtiss, Pro-Israel PAC Expenditures Pass \$3 Million As Election Day Nears, Oct. 1996, www.Washington-report.org

92. Richard H. Curtiss, Pro-Israel PAC Contributions in 1996 Cycle, *Washington Report on Middle East Affairs*, July 1996.

93. *Ibid.*

94. *Ibid.* See also: Richard Curtis, Pro-Israel PAC Donations Soared in Final Months of 1996 Election Cycle, April/May 1997.

95. Shirl McArthur, The 105th Congress Convenes, www.washington-report.org

96. www.aipac.org/documents.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی